روزنامه پیام ما
| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۵۳۳ | شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |
www.payamema.ir

از قیمت انرژی تا مراکز داده، تغییر اقلیم به مسئله‌ای درباره هزینه‌های زندگی تبدیل شد؛ مسئله‌ای که برای دموکرات‌ها نتیجه‌بخش بود

دموکرات‌ها با پیوند بحران اقلیم و معیشت رأی گرفتند

۴

| یادداشت |

جنگل زیر بار کمپ‌های گردشگری



| بهرنگ فرید |
رئیس هیئت‌مدیره انجمن بومبانان گیلان |

۴

نگاهی به سه تجربه میدانی از احیای تالاب کمجان، توسعه محلی در بلوچستان و مشارکت اجتماعی در محله سیروس تهران

حکایت «ما» شدن در بحران

■ سعید مدنی: بی‌اعتمادی اجتماعی مانع جدی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و شکل‌گیری مشارکت جمعی است

■ سیروس زارع: وقتی مردم بازگشت آب و پرندگان به تالاب را دیدند، انگیزه بیشتری برای مشارکت در احیا پیدا کردند

۵



گذشته زیر خاک می‌ماند

باستان‌شناسان در گفت‌وگو با «پیام ما» از توقف کاوش‌های جیرفت و کمبود حمایت از پژوهش‌های میدانی می‌گویند

۶

بهای پایداری در عصر الگوریتم‌ها

جامعه‌شناسان در گفت‌وگو با «پیام ما» عاملیت انسان و هوش مصنوعی را بررسی می‌کنند

۲

تورم با دستور صفر نمی‌شود

«اکبر فتحی»، معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی، در گفت‌وگو با «پیام ما» از پراکندگی اختیارات و چالش‌های تأمین امنیت غذایی می‌گوید

۳

رونق معدن، زوال زندگی در دامنه زاگرس

دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی خوزستان: سال‌هاست تنوع زیستی و جانوری در این کوه وجود ندارد. همه حیوان‌ها از بین رفته‌اند و دامنه جنگل‌های الوار هیچ درختی ندارد

۴

از دل خاکستر دوباره برمی‌خیزیم

تلاش هنرمندان سودانی برای حفظ سنت‌های فرهنگی در میانه جنگ و آوارگی

۸

| یادداشت |

جهان زنده زیر پای ما



| پدرام رفیعی |
پژوهشگر علوم زمین |

ما هر روز روی خاک قدم می‌گذاریم، بی‌آنکه چندان به آن توجه کنیم. از خیابان‌های شهر گرفته تا زمین‌های کشاورزی و جنگل‌ها، خاک همیشه زیر پای ماست. آن‌قدر آشناست که کمتر به ذهنمان می‌رسد درباره‌اش چیزی بدانیم. شاید اگر می‌توانستیم آنچه را در چند سانتی‌متری زیر سطح زمین می‌گذرد ببینیم، دیگر خاک را صرفاً ماده‌ای برای کاشت گیاه یا ساخت‌وساز نمی‌دانستیم. درست در جایی که تصور می‌کنیم همه‌چیز ساکن است، زندگی با پیچیدگی شگفت‌انگیزی جریان دارد.

خاک یکی از مهم‌ترین بخش‌های طبیعت است و از مواد معدنی، بقایای گیاهی و جانوری، آب، هوا و میلیون‌ها موجود زنده تشکیل شده است که هرکدام نقشی در حفظ تعادل آن دارند. خاک خود یک زیست‌بوم کامل است و نقش آن به فراهم کردن بستری برای رشد گیاهان محدود نمی‌شود. براساس اطلاعات «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (فائو)، تنها یک گرم خاک می‌تواند میزبان میلیون‌ها موجود زنده و هزاران گونه باکتری باشد. به بیان دیگر، حتی مقدار اندکی خاک نیز جهانی پرجمعیت و پیچیده را در خود جای داده است. بسیاری از ساکنان این جهان هنوز به‌طور کامل شناخته نشده‌اند.

در این زیست‌بوم پنهان، باکتری‌ها و قارچ‌ها بقایای گیاهان و جانوران را تجزیه می‌کنند و مواد مغذی را به چرخه طبیعت بازمی‌گردانند. کرم‌های خاکی نیز با حرکت در لایه‌های مختلف خاک، به تهویه آن، جابه‌جایی مواد آلی و نفوذ آب کمک می‌کنند. یکی از شگفت‌انگیزترین روابط این جهان زیرزمینی، همکاری میان ریشه گیاهان و قارچ‌های میکوریزایی است. این قارچ‌ها با گسترش رشته‌های باریک خود در خاک، جذب آب و عناصر معدنی، به‌ویژه فسفر، را برای گیاه آسان‌تر می‌کنند و در مقابل، بخشی از قندهای تولیدشده در فتوسنتز را دریافت می‌کنند. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند این شبکه‌های قارچی، افزون بر نقشی که در تغذیه گیاهان دارند، در چرخه کربن نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند و سالانه مقادیر قابل‌توجهی کربن را به خاک منتقل می‌کنند. اهمیت خاک به دنیای میکروسکوپی و رشد گیاهان محدود نمی‌شود. بخش مهمی از امنیت غذایی انسان به سلامت و حاصلخیزی آن وابسته است. خاک آب را جذب و ذخیره می‌کند، مواد مغذی را در اختیار ریشه گیاهان قرار می‌دهد و به تنظیم جریان آب در محیط کمک می‌کند. ساختار مناسب خاک می‌تواند مانند یک اسفنج طبیعی عمل کند و بخشی از آب باران را برای استفاده تدریجی گیاهان نگه دارد. این قابلیت در مناطق خشک و گرفتار خشکسالی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

خاک همچنین یکی از بزرگ‌ترین مخازن کربن در خشکی‌های زمین است. برآوردهای علمی نشان می‌دهند ذخیره کربن خاک تا عمق دو متر حدود سه برابر کربن موجود در جو زمین است. بقایای گیاهان و جانوران پس از ورود به خاک تجزیه می‌شوند و بخشی از کربن آن‌ها در مواد آلی باقی می‌ماند. بنابراین، تخریب خاک و کاهش مواد آلی آن می‌تواند علاوه بر کاهش حاصلخیزی، بر تعادل کربن و فرایندهای اقلیمی نیز اثر بگذارد.

جالب‌تر اینکه خاک با سلامت انسان و پزشکی هم ارتباط دارد. برخی از ریزاندامگان ساکن خاک ترکیباتی تولید می‌کنند که در ساخت داروها، به‌ویژه آنتی‌بیوتیک‌ها، اهمیت دارند. باکتری‌های جنس استرپتومایسس از نمونه‌های شناخته‌شده این موجودات هستند و ترکیبات دارویی ارزشمندی تولید می‌کنند. به این ترتیب، خاک علاوه بر تأمین غذا و حفظ تعادل زیست‌بوم‌ها، می‌تواند منبعی برای کشف داروهای آینده نیز باشد.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

| یادداشت |

نان زنان ماهیگیر «هنگام» به امنیت دریا گره خورده است



| احمید الماسی‌نیا |
خبرنگار |

حدود ۳۰ زن در جزیره هنگام، در یکی از کم‌نظیرترین تجربه‌های اشتغال زنان در جوامع ساحلی خلیج فارس، زندگی خود را با ماهیگیری پیوند زده‌اند، اما تنش‌های نظامی و ناامنی در پهنه دریایی منطقه، فعالیت صیادی آنان را با دشواری روبه‌رو کرده است. حالا پرسش این است که وقتی دریا، تنها محل کار و منبع درآمد این زنان، از دسترس خارج می‌شود، چه سرنوشتی در انتظار معیشت و آینده خانواده‌هایشان است؟

در جنوب جزیره قشم و در همسایگی آب‌های نیلگون خلیج فارس، جزیره هنگام میزبان زنانی است که دریا برایشان چیزی فراتر از یک چشم‌انداز طبیعی و جاذبه گردشگری است. برای این زنان، دریا محل کار، منبع درآمد و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت و زندگی روزمره محسوب می‌شود. آنان با حضور در حرفه ماهیگیری، تصویری متفاوت از نقش زنان در اقتصاد جوامع ساحلی ارائه کرده‌اند و اکنون با شرایطی روبه‌رو هستند که می‌تواند معیشتشان را تحت تأثیر قرار دهد. حدود ۳۰ زن در جزیره هنگام به حرفه ماهیگیری اشتغال دارند. این گروه تنها زنان ماهیگیر در جنوب ایران به شمار می‌روند، اما اهمیت روایت زندگی آنان در کم‌نظیر بودن اشتغال زنان در حرفه ماهیگیری خلاصه نمی‌شود. مسئله اصلی، آسیب‌پذیری زندگی گروهی از زنان و خانواده‌های جزیره‌نشین در برابر شرایطی است که خارج از اراده و کنترل آنان شکل می‌گیرد.

دریا؛ محل کار و تکیه‌گاه اقتصادی زنان هنگام

در جوامع جزیره‌ای، دریا همواره نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری روابط اجتماعی، فرهنگ بومی و ساختار اقتصادی داشته است. ماهیگیری در این مناطق تنها یک فعالیت تولیدی نیست، بلکه دانشی برخاسته از تجربه نسل‌هاست. این دانش شناخت شرایط آب، زمان صید، ویژگی‌های گونه‌های دریایی و شیوه‌های بهره‌برداری از منابع را در بر می‌گیرد. حضور زنان هنگام در این حرفه از منظر اجتماعی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد. آنان با ورود به عرصه‌ای که در بسیاری از جوامع ساحلی عمدتاً مردانه تلقی می‌شود، نقشی مستقیم در تولید و تأمین معاش خانواده ایفا می‌کنند.

این تجربه نشان می‌دهد که ظرفیت اقتصادی زنان در جزایر جنوبی کشور نباید صرفاً به فعالیت‌هایی مانند صنایع‌دستی، خدمات گردشگری و مشاغل خانگی محدود شود. زنان می‌توانند در بخش‌های اصلی اقتصاد دریا، از صیادی و فرآوری محصولات دریایی تا عرضه و بازاریابی، نقش‌آفرین باشند. با این حال، برای شناخت دقیق جایگاه اقتصادی این زنان، باید به موضوعاتی فراتر از تعداد شاغلان توجه کرد. میزان درآمد، وضعیت بیمه، دسترسی به تجهیزات، امکان فروش محصول و سهم آنان از زنجیره ارزش اقتصاد شیلات، از جمله شاخص‌هایی هستند که می‌توانند وضعیت واقعی اشتغال زنان ماهیگیر را روشن کنند.

وقتی ناامنی به سفره خانواده می‌رسد

درگیری‌های نظامی در منطقه معمولاً از منظر پیامدهای سیاسی، اقتصادی و راهبردی بررسی می‌شوند. اختلال در تجارت دریایی، افزایش هزینه حمل‌ونقل، نگرانی درباره امنیت مسیرهای کشتیرانی و تأثیر بر بازار انرژی، بخش مهمی از این بررسی‌ها را تشکیل می‌دهند. اما در کنار این پیامدهای کلان، جوامع کوچک ساحلی نیز با تهدید مستقیم فعالیت‌های روزمره و منابع درآمدی خود مواجه‌اند. با آغاز جنگ در منطقه، پهنه دریایی روبه‌روی محل زندگی زنان ماهیگیر جزیره هنگام ناامن شد و امکان ماهیگیری برای آنان به‌شدت محدود شد. برای صیادی که درآمدش به حضور در دریا وابسته است، هر روز توقف فعالیت می‌تواند به معنای کاهش درآمد و دشوارتر شدن تأمین هزینه‌های زندگی باشد. در چنین شرایطی، مسئله فقط از دست رفتن فرصت صید نیست. زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، از کاهش قدرت خرید خانواده تا دشواری تأمین هزینه‌های ضروری، ممکن است شکل بگیرد.

اقتصاد دریامحور بدون مشارکت زنان ناقص است

توسعه اقتصاد دریامحور در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم برنامه‌ریزی اقتصادی کشور تبدیل شده است. با این حال، تحقق این رویکرد تنها از مسیر توسعه بنادر، صنایع دریایی، حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ امکان‌پذیر نیست. جوامع محلی و نیروی انسانی فعال در سواحل و جزایر باید در مرکز این برنامه‌ها قرار گیرند. زنان ماهیگیر جزیره هنگام نمونه‌ای روشن از ظرفیت انسانی اقتصاد دریامحور هستند. این ظرفیت در صورت حمایت و سازمان‌دهی می‌تواند به افزایش اشتغال پایدار، تقویت اقتصاد خانواده و حفظ دانش بومی صیادی کمک کند.

ایجاد تعاونی‌های تخصصی زنان ماهیگیر، تسهیل دسترسی به تسهیلات خرید تجهیزات، توسعه امکانات نگهداری و فرآوری محصولات دریایی و فراهم کردن امکان فروش مستقیم، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند ارزش افزوده فعالیت آنان را افزایش دهند. همچنین، پیوند میان صیادی سنتی و گردشگری مسئولانه می‌تواند فرصت‌های مکملی برای اقتصاد محلی ایجاد کند. معرفی فرهنگ صیادی، عرضه محصولات دریایی و روایت تجربه زنان دریا به گردشگران، در صورت حفظ شأن حرفه‌ای و حقوق اقتصادی آنان، می‌تواند به تقویت درآمد جوامع محلی منجر شود.

میراث زنده‌ای که نباید فراموش شود

زنان ماهیگیر جزیره هنگام تنها بخشی از نیروی کار اقتصاد محلی نیستند، بلکه بخشی از فرهنگ و دانش تاریخی جوامع ساحلی خلیج فارس را نیز با خود دارند. تجربه صید، شناخت دریا و شیوه‌های سنتی فعالیت دریایی، بخشی از میراث ناملموس این منطقه است که انتقال آن به نسل‌های آینده اهمیت فراوانی دارد. کاهش فرصت‌های شغلی، مهاجرت نیروی انسانی و دشوار شدن فعالیت صیادی، علاوه بر پیامدهای اقتصادی، می‌توانند انتقال این دانش بومی را نیز با خطر مواجه کنند. ازاین‌رو، ثبت تجربه‌های زنان ماهیگیر، مستندسازی شیوه‌های فعالیت و فراهم کردن زمینه آموزش نسل جوان باید در کنار برنامه‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

در این میان، «سازمان شیلات ایران»، «اداره‌کل شیلات هرمزگان»، «سازمان منطقه آزاد قشم» و دستگاه‌های متولی حمایت اجتماعی و اشتغال می‌توانند با بررسی میدانی وضعیت زنان ماهیگیر جزیره هنگام، زمینه تدوین برنامه‌ای مشخص برای حمایت از آنان را فراهم کنند.

تهیه آمار دقیق از تعداد زنان فعال در صیادی، بررسی وضعیت بیمه و درآمد، شناسایی مشکلات بازار فروش و طراحی حمایت‌های معیشتی در دوره‌های توقف فعالیت دریایی، از نخستین اقداماتی هستند که باید در دستور کار قرار گیرند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.



«اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» | نوبت دوم

((فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای))

شهرداری بم در نظر دارد **عملیات بهسازی خیابان چمران فاز ۱ تاچهارراه ساعی** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

■ مدت اجرای پروژه ۶ ماه شمسی می‌باشد.
■ برآورد اجرای کار: ۳۸۳,۸۳۳,۳۰۰,۲۵۳ ریال می‌باشد .
■ نوع ضمانت شرکت در مناقصه، ارائه گواهی خالص مطالبات تأیید شده قراردادها الزامی می‌باشد .
■ شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است.
■ سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مندرج است .
■ تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۱ می‌باشد.
■ مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۸
■ مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۸
■ زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۰۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰
■ محل تحویل پاکات الف، دبیرخانه حراست شهرداری بم می‌باشد .
■ اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های الف: آدرس بم بلوار شهید رجایی سایت اداری - شهرداری بم امور قراردادها - تلفن: ۰۳۴-۴۴۳۴۵۲۱۴
■ اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸

وزارت کشور
استانداری کرمان
شهرداری بم

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۰۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶

رسول برائی نژاد - سرپرست شهرداری بم

شناسه آگهی: ۲۳۱۴۳۱۶

خبر

مرگ‌ومیر بیماران در انتظار پیوند عضو افزایش یافته است



«کتایون نجفی‌زاده»، رئیس «انجمن اهدای عضو ایرانیان»، با اشاره به کاهش آمار اهدای عضو در کشور پس از همه‌گیری کرونا اظهار کرد: «در دوران شیوع کرونا، افت چشمگیری در آمار اهدای عضو در کشور مشاهده شد. کاهشی که امری طبیعی بود و در بسیاری از کشورهای جهان نیز اتفاق افتاد. بااین‌حال، پس از پایان همه‌گیری، اغلب کشورها توانستند به سطح پیشین اهدای عضو بازگردند، اما متأسفانه ایران هنوز نتوانسته است به شرایط مطلوب گذشته دست پیدا کند و آمار اهدای عضو همچنان پایین‌تر از سطحی است که در صورت وقوع نیافتن همه‌گیری انتظار می‌رفت.»

او افزود: «البته هیچ‌گاه تمایل نداریم فردی دچار مرگ مغزی شود، اما واقعیت این است که تعداد موارد مرگ مغزی در کشور کاهش نیافته است. با وجود این، میزان استفاده از اعضای قابل پیوند افراد دچار مرگ مغزی همچنان نامطلوب و کمتر از حد انتظار است.» نجفی‌زاده با تأکید بر افزایش روزافزون نیاز به پیوند عضو در جهان گفت: «هم‌زمان با رشد جمعیت، شمار بیماران نیازمند پیوند عضو نیز افزایش یافته است، اما آمار اهدای عضو متناسب با این روند رشد نکرده است. این ناهماهنگی موجب شده شمار بیمارانی که در فهرست انتظار پیوند جان خود را از دست می‌دهند، به‌طور قابل‌توجهی افزایش یابد.»

رئیس انجمن اهدای عضو ایرانیان در ادامه با اشاره به وضعیت پیوند قلب کودکان در «بیمارستان شهید رجایی» گفت: «براساس آمار ارائه‌شده از سوی بخش پیوند قلب این بیمارستان، سال گذشته تنها ۳۰ مورد پیوند قلب کودکان انجام شده است. این در حالی است که متأسفانه ۱۳۰ کودک به‌دلیل تأمین نشدن قلب پیوندی، در فهرست انتظار همین بیمارستان جان خود را از دست داده‌اند.»

او تأکید کرد: «ضروری است با مشارکت و همت جمعی، زمینه استفاده مؤثرتر از اعضای قابل پیوند افراد دچار مرگ مغزی فراهم شود تا بیماران نیازمند پیوند فرصت دوباره‌ای برای زندگی پیدا کنند و از مرگ آنان جلوگیری شود.»

نجفی‌زاده از برنامه‌ریزی برای اجرای طرحی ملی در حوزه اهدای عضو خبر داد و اظهار کرد: «تمهیدات ارزشمندی از سوی انجمن اهدای عضو ایرانیان و وزارت بهداشت در نظر گرفته شده است. براساس این برنامه، قرار است طرحی ملی با مشارکت تمامی نهادهای فرهنگ‌ساز، وزارت بهداشت، واحدهای پیوند و سازمان‌های مرتبط به اجرا درآید.»

او ادامه داد: «هدف از اجرای این طرح، ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان دستگاه‌های مسئول است تا در کنار تلاش برای کاهش موارد مرگ مغزی، از اعضای قابل پیوند افرادی که دچار مرگ مغزی شده‌اند، به بهترین شکل ممکن استفاده شود.»

رئیس انجمن اهدای عضو ایرانیان در پایان با اشاره به اهمیت انسانی و معنوی اهدای عضو خاطرنشان کرد: «باید کاری کنیم که اعضای قابل پیوند این افراد به خاک سپرده نشوند، بلکه به یادگاری ماندگار برای خانواده‌هایشان تبدیل شوند، یادگاری‌ای که با نجات جان دیگران، زندگی‌بخش باشد و برای فرد اهداکننده و خانواده او باقیات‌الصالحات به شمار آید.»ایلنا



پیام ما | AI

جامعه‌شناسان در گفت‌وگو با «پیام ما» عاملیت انسان و هوش مصنوعی را بررسی می‌کنند

بهای پایداری در عصر الگوریتم‌ها

در جهان امروز، هوش مصنوعی، فراتر از ابزاری تازه برای افزایش سرعت و بهره‌وری، به‌تدریج وارد قلمرو اندیشیدن، قضاوت و تصمیم‌گیری انسان می‌شود. این تغییر، در کنار فرصت‌های فناورانه، پرسش‌هایی جدی درباره استقلال فکری، عاملیت انسانی، تشدید نابرابری‌ها و هزینه‌های زیست‌محیطی این فناوری ایجاد کرده است. آیا انسان با سپردن بخشی از توانایی‌های شناختی خود به الگوریتم‌ها، قدرت خویش را تقویت می‌کند یا به‌تدریج اختیار خود را واگذار می‌کند؟ جامعه‌شناسان معتقدند هوش مصنوعی، با وجود ظرفیت‌های قابل‌توجهش برای تقویت توانایی‌های انسان، نباید به مرجع نهایی اندیشیدن و تصمیم‌گیری تبدیل شود. اعتماد بی‌قیدوشرط به این فناوری می‌تواند به تضعیف استقلال فکری، کاهش عاملیت انسانی و تشدید نابرابری‌های اجتماعی و زیست‌محیطی منجر شود.



املیکا بهزادی | خبرنگار ا

هر روز خبرهای تازه‌ای از توانایی‌های هوش مصنوعی، از تولید متن و تصویر و تحلیل داده‌ها تا پیش‌بینی بیماری‌ها و کمک به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، منتشر می‌شود. هم‌زمان، نگرانی‌ها درباره حذف مشاغل، وابستگی انسان به ماشین و پیامدهای زیست‌محیطی این فناوری افزایش یافته است. اما شاید پرسش مهم‌تر این باشد که انسان در جریان توسعه هوش مصنوعی تا چه اندازه حاضر است اختیار، قدرت تحلیل و توانایی تصمیم‌گیری خود را به آن واگذار کند. آیا این فناوری صرفاً ابزاری برای تقویت توانایی‌های انسان است یا به‌تدریج به مرجعی برای اندیشیدن و تصمیم‌گرفتن تبدیل می‌شود؟

برای بررسی این پرسش‌ها، پیام ما با «محمد رهبری»، پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی و فناوری و مدرس «دانشگاه علامه طباطبایی»، و «مهدی نوریان»، پژوهشگر مطالعات فرهنگی و مدرس دانشگاه، گفت‌وگو کرده است.

محمد رهبری پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی و فناوری: زمانی که افراد برای پاسخ به پرسش‌ها و اتخاذ تصمیم‌های روزمره و مهم خود همواره به هوش مصنوعی مراجعه کنند ممکن است به‌تدریج توانایی مستقل فکر کردن و قضاوت کردن را از دست بدهند

مهدی نوریان، پژوهشگر مطالعات فرهنگی: در چنین وضعیتی فرد تصور می‌کند به‌دلیل دسترسی به ابزارهای هوشمند توانایی بیشتری برای تصمیم‌گیری و کنش دارد، درحالی‌که ممکن است در عمل، بیش از گذشته به سازوکارهای ازپیش‌تعیین‌شده وابسته شده باشد

اعتماد به الگوریتم و وابستگی شناختی

یکی از دلایل استقبال از هوش مصنوعی، توانایی آن در تولید پاسخ‌هایی منسجم، سریع و قانع‌کننده است. تشخیص خطاهای این پاسخ‌ها گاهی دشوار می‌شود. همین ویژگی این تصور را ایجاد کرده که شاید بتوان تحلیل و قضاوت انسانی را نیز به الگوریتم‌ها واگذار کرد.

محمد رهبری معتقد است باید میان توانایی تولید پاسخ درست و درک آن پاسخ تفاوت قائل شد. مدل‌های زبانی بزرگ براساس حجم عظیمی از داده‌های متنی، تصویری و صوتی آموزش دیده‌اند و ممکن است پاسخ‌های درستی تولید کنند، اما لزوماً درکی از محتوای پاسخ‌های خود ندارند. او دراین‌باره می‌گوید: «شاید هوش مصنوعی پاسخ‌های درستی به ما بدهد، اما لزوماً درکی از پاسخی که می‌دهد ندارد.»

از نظر رهبری، مسئله مهم، اعتماد بی‌قیدوشرط به خروجی این مدل‌هاست. به گفته او، هوش مصنوعی گاهی پاسخ‌هایی جعل می‌کند که مبتنی بر واقعیت نیستند، اما آن‌ها را چنان حرفه‌ای و انسانی ارائه می‌دهد که تشخیص نادرستی‌شان دشوار است. رهبری می‌گوید: «ما نباید نسبت به پاسخ‌هایی که هوش مصنوعی می‌دهد، دچار شیفتگی شویم.» به همین دلیل، به‌ویژه در موضوعات حساس و مهم، باید پاسخ‌های این ابزار را راستی‌آزمایی کرد. رهبری تأکید می‌کند: «به هوش مصنوعی به‌عنوان یک دستیار نگاه کنیم، نه به‌عنوان یک جایگزین.»

این پژوهشگر یکی از دلایل خطاهای احتمالی الگوریتم‌ها را به داده‌هایی مرتبط می‌داند که این الگوریتم‌ها براساس آن‌ها آموزش دیده‌اند: «داده‌های اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، که بخش مهمی از منابع آموزشی مدل‌های زبانی هستند، لزوماً بی‌طرف نیستند. اگر این داده‌ها عمدتاً بازتاب‌دهنده دیدگاه گروه‌های اجتماعی خاص، مانند مردان سفیدپوست و طبقات اقتصادی برخوردار باشند، سوگیری‌های آن‌ها نیز ممکن است به پاسخ‌های هوش مصنوعی منتقل شود. بنابراین، جامع به نظر رسیدن یک پاسخ الزاماً به معنای بی‌طرفانه یا دقیق بودن آن نیست.»

رهبری خطر دیگر را وابستگی شناختی می‌داند و می‌گوید: «زمانی که افراد برای پاسخ به پرسش‌ها و اتخاذ تصمیم‌های روزمره و مهم خود همواره به هوش مصنوعی مراجعه کنند، ممکن است به‌تدریج توانایی مستقل فکر کردن و قضاوت کردن را از دست بدهند. وقتی عادت می‌کنیم همه سؤال‌ها و تصمیمات و کارهایمان را از طریق مشورت با هوش مصنوعی انجام دهیم، ممکن است خودبه‌خود توانایی مستقل فکر کردن را از دست دهیم. لذا تدوین دستورالعمل‌هایی برای استفاده از این فناوری، شناخت محدودیت‌ها و تقویت نگاه انتقادی کاربران می‌تواند از چنین پیامدی جلوگیری کند.»

توهم عاملیت

آیا هوش مصنوعی واقعاً می‌تواند جای عاملیت انسانی را بگیرد؟ مهدی نوریان معتقد است طرح این پرسش خود متأثر از شرایط اجتماعی و اقتصادی جهان مدرن است، جهانی که در آن عقلانیت ابزاری به‌تدریج بر سایر ابعاد زندگی انسانی مسلط شده است.

نوریان با ارجاع به اندیشه «ماکس وبر» و «گئورگ زیمل» توضیح می‌دهد: «در جهان معاصر، بسیاری از شئون زندگی به جنبه‌های محاسباتی و ابزاری تقلیل پیدا کرده‌اند. وقتی انسان را موجودی تعریف کنیم که کار اصلی‌اش تحلیل، محاسبه و تصمیم‌گیری عقلانی است، طبیعی به نظر می‌رسد که تصور کنیم یک الگوی زبانی پیشرفته می‌تواند جای او را بگیرد. این تصویر از انسان ناقص است، زیرا انسان صرفاً موجودی محاسبه‌گر نیست و ابعاد پیچیده‌تری دارد.»

او با ارجاع به روان‌کاوی «ژاک لاکان»، بر اهمیت میل و ناهشیار در شکل‌گیری انسان تأکید می‌کند: «میل انسان محصول فقدان است و در بستر تجربه و تاریخ شکل می‌گیرد، درحالی‌که هوش مصنوعی تاریخ زیسته و ناهشیار ندارد. هوش مصنوعی چون تاریخ و ناهشیار ندارد و در وضعیت فقدان قرار نمی‌گیرد، اساساً نمی‌تواند انسان باشد، چراکه نمی‌تواند میل بورزد.»

نوریان با اشاره به مفهوم عاملیت در جامعه‌شناسی توضیح می‌دهد: «عاملیت همواره در نسبت با ساختار معنا پیدا می‌کند، ساختارهای اجتماعی و روانی که کنش انسان را محدود می‌کنند و در شکل‌گیری رفتارهای او نقش دارند. هوش مصنوعی لزوماً عاملیت بیشتری برای انسان ایجاد نمی‌کند، بلکه ممکن است توهم برخورداری از عاملیت بیشتر را به وجود آورد. در واقع، هوش مصنوعی نه‌تنها عاملیت برای بشر ایجاد نمی‌کند، بلکه توهم عاملیت بیشتر می‌دهد.»

او ادامه می‌دهد: «در چنین وضعیتی، فرد تصور می‌کند به‌دلیل دسترسی به ابزارهای هوشمند، توانایی بیشتری برای تصمیم‌گیری و کنش دارد، درحالی‌که ممکن است در عمل، بیش از گذشته به سازوکارهای ازپیش‌تعیین‌شده وابسته شده باشد. این توهم می‌تواند پیامدهای اجتماعی مهمی داشته باشد، زیرا فردی که خود را برخوردار از قدرت و اختیار کافی می‌بیند، ممکن است کمتر برای تغییر محدودیت‌های ساختاری تلاش کند. به این معنا، فناوری‌ای که در ظاهر قدرت انتخاب را افزایش می‌دهد، می‌تواند در عمل به تضعیف عاملیت واقعی انسان منجر شود.»

فرصت‌های فناورانه در برابر هزینه‌های پنهان

یکی دیگر از پرسش‌های مهم درباره هوش مصنوعی، نسبت آن با توسعه پایدار است. آیا این فناوری می‌تواند به بهبود آموزش، افزایش بهره‌وری و حفاظت از محیط‌زیست کمک کند یا هزینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی آن از دستاوردهایش فراتر می‌رود؟

محمد رهبری معتقد است هوش مصنوعی هم‌زمان فرصت‌ها و تهدیدهایی برای توسعه پایدار ایجاد می‌کند: «اگر دسترسی به این فناوری عادلانه باشد، می‌تواند به ارتقای شاخص‌های انسانی کمک کند. برای مثال، در مناطقی که دسترسی به معلم یا استاد توانمند محدود است، هوش مصنوعی ظرفیت‌های آموزشی قابل‌توجهی ایجاد می‌کند. افزایش بهره‌وری اقتصادی، تسریع تصمیم‌گیری و بهینه‌سازی فعالیت‌ها نیز از دیگر فرصت‌های آن است.»

بااین‌حال، دسترسی به هوش مصنوعی و مهارت استفاده از آن میان گروه‌های اجتماعی و اقتصادی یکسان نیست. برخی گروه‌ها امکانات و دانش بیشتری برای استفاده از این فناوری دارند، درحالی‌که گروه‌های دیگر، به‌ویژه در مناطق محروم‌تر، از چنین امکاناتی بی‌بهره‌اند. این وضعیت می‌تواند شکاف دیجیتال را تشدید کند. این شکاف هم دسترسی به ابزارها و هم توانایی استفاده مؤثر از آن‌ها را در بر می‌گیرد.

مسئله دیگر، آثار زیست‌محیطی هوش مصنوعی است. رهبری یادآور می‌شود: «اگرچه این فناوری می‌تواند برای مدیریت منابع آب در کشاورزی و بهینه‌سازی مصرف انرژی به کار گرفته شود، زیرساخت‌های آن نیز مصرف قابل‌توجهی از آب و انرژی دارند. مراکز داده برای پردازش اطلاعات و خنک‌سازی تجهیزات به منابع زیادی نیاز دارند و گسترش استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند فشار بیشتری بر منابع طبیعی وارد کند.»

مهدی نوریان ارزیابی انتقادی‌تری از نسبت هوش مصنوعی و توسعه پایدار دارد. او می‌گوید: «نسبت هوش مصنوعی با توسعه پایدار را منفی می‌بینم و به این معنی نیست که نقش مثبتی ندارد، اما چنان نقش منفی دارد که جایی برای نقش مثبت باقی نمی‌گذارد.»

نوریان در توضیح این موضع به مصرف انرژی و انتشار کربن مراکز داده اشاره می‌کند. او در این گفت‌وگو از مصرف ۴۴۸ تراوات‌ساعت برق در سال ۲۰۲۵ و پیش‌بینی افزایش آن به ۹۴۵ تراوات‌ساعت تا سال ۲۰۳۰ سخن می‌گوید. مصرف آب سامانه‌های خنک‌کننده و افزایش زباله‌های الکترونیکی نیز از دیگر نگرانی‌های اوست.

از نگاه نوریان، در کنار میزان مصرف منابع، چگونگی توزیع هزینه‌ها و منافع این فناوری نیز اهمیت دارد. او با ارجاع به نظریه نظام جهانی «امانوئل والرشتاین»، این وضعیت را به رابطه مرکز و پیرامون پیوند می‌دهد: «ممکن است منافع اقتصادی هوش مصنوعی عمدتاً در اختیار شرکت‌ها و کشورهایی قرار گیرد که در مرکز نظام جهانی هستند، درحالی‌که هزینه‌های زیست‌محیطی تولید زیرساخت‌ها، استخراج مواد اولیه و انباشت زباله‌های الکترونیکی بر دوش جوامع پیرامونی باشد.»

نوریان با بیان اینکه نابرابری در جهان هوش مصنوعی صرفاً به سوگیری الگوریتم‌ها محدود نمی‌شود، می‌گوید: «مالکیت داده‌ها، ظرفیت محاسباتی و کنترل زیرساخت‌هایی مانند مراکز داده نیز با مسئله قدرت پیوند دارند. صاحبان منابع و زیرساخت‌ها در جهت‌گیری فناوری نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در حوزه اقتصادی نیز جابه‌جایی نیروی کار و احتمال حذف بخشی از مشاغل، به‌ویژه مشاغل دارای مهارت پایین و متوسط، از نگرانی‌های جدی است. خطرهایی مانند دیپ‌فیک، تولید داده‌های جعلی و انسجام ظاهری اما غیرواقعی در خروجی‌های هوش مصنوعی نیز وجود دارد که می‌توانند اعتماد عمومی و اعتبار دانش تولیدشده را با چالش روبه‌رو کنند.»

اگرچه رهبری و نوریان از دو زاویه متفاوت به هوش مصنوعی نگاه می‌کنند، در یک نکته اشتراک نظر دارند. نمی‌توان بدون شناخت محدودیت‌ها و پیامدهای این فناوری، به آن اعتماد کرد یا مسئولیت تصمیم‌گیری را به‌طور کامل به آن سپرد.

شاید پرسش اصلی این باشد که انسان در جریان توسعه هوش مصنوعی چه بخش‌هایی از توانایی، اختیار و مسئولیت خود را حاضر است واگذار کند. این پرسش فراتر از آن است که آیا هوش مصنوعی می‌تواند جای انسان را بگیرد. هوش مصنوعی می‌تواند در تحلیل داده‌ها، افزایش بهره‌وری و گسترش دسترسی به دانش نقش مؤثری داشته باشد، اما تبدیل آن به مرجع نهایی تصمیم‌گیری، بدون نظارت انسانی و پاسخ‌گویی اجتماعی، می‌تواند به تضعیف عاملیت و تعمیق نابرابری‌ها منجر شود. توسعه پایدار نیز صرفاً با افزایش سرعت پردازش یا بهره‌وری اقتصادی محقق نمی‌شود. عدالت در دسترسی، حفاظت از منابع طبیعی، توزیع منصفانه منافع و هزینه‌ها و حفظ اختیار انسان در تصمیم‌گیری، مؤلفه‌هایی هستند که باید در ارزیابی نقش هوش مصنوعی در آینده جوامع در نظر گرفت.

خبر

وداع با «اصغر ضرابی» روزنامه‌نگار پیشکسوت



«اصغر ضرابی»، روزنامه‌نگار و از چهره‌های شناخته‌شدهٔ مطبوعات دهه‌های ۴۰ و ۵۰، امروز درگذشت. مصاحبه‌های مشهور او در مجله‌های «فردوسی» و «سخن» هنوز هم خوانده‌نی‌اند. گفت‌وگوهایش با «بهرام صادقی»، «جلال آل‌احمد»، «احمد شاملو» و «فروغ فرخزاد» از مصاحبه‌های ماندگار او به شمار می‌روند. برخی از این مصاحبه‌ها بعدها در کتاب «مجموعه مباحثه‌های اصغر ضرابی» منتشر شدند.

چگونگی توزیع قرص‌های یدید پتاسیم در حوادث پرتوی

«سازمان جهانی بهداشت» با تشریح شیوه‌های توزیع قرص‌های یدید پتاسیم در فوریت‌های هسته‌ای، بر ضرورت دسترسی آسان و به‌موقع به این قرص‌ها و مصرف آن‌ها صرفاً براساس دستور رسمی مقامات بهداشتی تأکید کرد.

آمادگی در برابر فوریت‌های هسته‌ای معمولاً برنامه‌هایی را برای اطمینان از دسترسی سریع و آسان مردم به قرص‌های یدید پتاسیم در بر می‌گیرد. براساس توضیحات سازمان جهانی بهداشت، این قرص‌ها می‌توانند پیش از وقوع حادثه در مکان‌های راهبردی مانند خانه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها، ایستگاه‌های آتش‌نشانی، مراکز پلیس، مراکز تخلیه و مراکز دفاع غیرعامل شهری توزیع و نگهداری شوند.

براساس این توصیه‌ها، هرگاه مصرف قرص یدید پتاسیم برای محافظت از تیروئید ضروری تشخیص داده شود، مقامات بهداشتی باید اعلام کنند که چه کسانی، در کدام مناطق، چه زمانی و چگونه باید این قرص‌ها را مصرف کنند. این دستورالعمل‌ها را می‌توان از طریق رادیو، تلویزیون، اینترنت، بلندگوها و سایر رسانه‌های در دسترس اعلام کرد. مردم باید آن‌ها را به‌دقت رعایت کنند. سازمان جهانی بهداشت همچنین تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری درباره نحوه آماده‌سازی، تأمین و توزیع قرص‌های یدید پتاسیم بر عهده مقامات بهداشتی هر کشور است. در بسیاری از کشورها مردم می‌توانند این قرص‌ها را داوطلبانه تهیه کنند، اما مصرف آن‌ها فقط با دستور رسمی مقام مسئول مجاز است. براساس توصیه‌های این سازمان، مصرف یدید پتاسیم به‌تنهایی حفاظت کامل ایجاد نمی‌کند و در صورت نیاز باید با اقداماتی مانند پناه گرفتن، تخلیه منطقه و خودداری از مصرف مواد غذایی و آب آشامیدنی آلوده همراه باشد.

«مرکز سلامت محیط و کار» در «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» مجموعه‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره حفاظت از تیروئید در حوادث پرتوی گردآوری کرده است. این مجموعه طی ۱۰ روز، هر روز به یکی از ۱۰ پرسش کلیدی در این زمینه می‌پردازد. ا وبدا

گرانی شیر ممنوع

«علی‌احسان ظفری»، مدیرعامل «اتحادیه تعاونی‌های لبنی ایران»، از ممنوعیت هرگونه افزایش قیمت شیر خام و محصولات لبنی خبر داد و گفت «طبق جلسه کارگروه تنظیم بازار مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۳، قیمت شیر خام براساس مصوبه اردیبهشت‌ماه منظور شده و هیچ‌گونه افزایش قیمتی تا این تاریخ برای شیر خام و چربی وجود ندارد.»

او با اشاره به قیمت ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومانی هر کیلوگرم شیر خام گفت «تمام محاسبات کارخانجات تولیدکننده محصولات لبنی برای محصولاتشان باید بر مبنای شیر خام کیلویی ۶۰،۵۰۰ تومان و چربی ۶۵۰ باشد و لذا هیچ‌گونه افزایش قیمتی در محصولات لبنی منظور نکنند.» مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی ایران درباره دلایل افزایش نیافتن قیمت شیر خام گفت «با توجه به اینکه شرایط فعلی کشور، شرایطی نیست که اجازه افزایش قیمت داده شود، هرگونه افزایش قیمت شیر خام و محصولات لبنی، غیرقانونی است.»

او تأکید کرد «با توجه به تماس‌های مکرر شرکت‌های تولیدکننده برای افزایش قیمت، استدعا دارم که به هیچ‌وجه قیمت محصولات لبنی را نسبت به ماه‌های قبل افزایش نداده و اگر چنین اتفاقی رخ دهد، دستگاه‌های نظارتی مطمئناً برخورد قانونی را با متخلفین خواهند داشت.»ایلنا

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی بابل: نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بابل مورد سیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

(املاک متقاضیان واقع در بخش یازده)

اراضی واقع روستای درونکلا پلاک ۲۷ - اصلی

۵۴۳ فرعی: تصرفات مالکانه و بلامعارض آقای محمد قاضی‌زاده کرانی فرزند علیرضا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۴۲۰۰ مترمربع محرز گردید.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۸/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۸/۳۰

یعقوب شوبکلائی - کفیل اداره ثبت‌اسناد و املاک بابل

شناسه آگهی:۲۳۱۸۴۶۷

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر

اداره ثبت‌اسناد و املاک بندر گناوه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۶۰۵۴ مورخ ۱۴۰۵/۷/۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم هدی آلبو سویلم فرزند عبدالسید به شماره شناسنامه ۱۹۴۰۴۱۷۱۲۰ کد ملی ۱۹۴۰۴۱۷۱۲۰ صادره از گناوه را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه مساحت ۱۹۱/۴۰ مترمربع در قسمتی ازپلاک ۹۱۷ اصلی واقع در امام زاده گناوه خریداری مع‌الواسطه از آقای محمد نظام‌پور و شرکاء محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی‌باشد .

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

محمد چهابدار

رئیس ثبت‌اسناد و املاک شهرستان گناوه

از طرف، عبدالحسین بکتاش

اقدام‌کننده: یونس یونسی پور

شناسه آگهی:۲۳۱۵۰۵۳

همشهری

«اکبر فتحی»، معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی، در گفت‌وگو با «پیام ما» از پراکندگی اختیارات و چالش‌های تأمین امنیت غذایی می‌گوید

تورم با دستور صفر نمی‌شود





شبنم مسعودی
روزنامه‌نگار

وزارت جهاد کشاورزی مسئول تأمین امنیت غذایی است، اما ابزارهای تحقق این مسئولیت میان چندین دستگاه دولتی توزیع شده است. از تأمین آب و سوخت تا ارز و ماشین‌آلات؛ تصمیم‌هایی که خارج از این وزارتخانه گرفته می‌شوند، مستقیماً بر تولید و سفره مردم اثر می‌گذارند. «اکبر فتحی»، معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی، دبیر کارگروه تنظیم بازار و دبیر ستاد هماهنگی امنیت غذایی، در گفت‌وگو با «پیام ما» بر ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌ها تأکید می‌کند و از اختلاف‌نظر بر سر اجرای قوانین و محدودیت منابع می‌گوید. او معتقد است اقتصاد را نمی‌توان با دستور اداره کرد و کنترل قیمت‌ها بدون جبران هزینه‌های تولید، در نهایت فشار را به تولیدکننده منتقل می‌کند.

وزارت جهاد کشاورزی در افکار عمومی مسئول تأمین امنیت غذایی، نهاده‌های تولید، حمایت از کشاورزان و حتی تنظیم بازار محصولات کشاورزی شناخته می‌شود. اما ابزارهای تحقق این مسئولیت‌ها همگی در اختیار این وزارتخانه نیستند. مرز مسئولیت وزارت جهاد کشاورزی با سایر دستگاه‌ها کجاست؟

بخش کشاورزی یک بخش اقتصادی است و نمی‌تواند خود را از سایر بخش‌های اقتصادی جدا بداند. تحقق اهداف این بخش به همکاری دستگاه‌های مختلف نیاز دارد. برای مثال، مدیریت کلان آب در اختیار وزارت نیرو است، تأمین سوخت به وزارت نفت مربوط می‌شود، سیاست‌های ارزی و تأمین ارز به بانک مرکزی ارتباط دارد و منابع مالی و بودجه‌ای نیز به سازمان برنامه و بودجه وابسته است.

بنابراین نمی‌توان انتظار داشت یک وزارتخانه به‌تنهایی تمام اختیارات و ابزارهای لازم برای تحقق اهدافش را در اختیار داشته باشد. در برنامه هفتم نیز تکالیفی برای دستگاه‌های مختلف تعیین شده است و تحقق اهداف بخش کشاورزی به اجرای تعهدات همه این دستگاه‌ها وابسته است. اگر الزامات یک برنامه تأمین نشود، دستگاه متولی حتی با وجود برنامه‌ریزی و تلاش نمی‌تواند به تمام اهداف تعیین‌شده برسد.

با این حال، هنگام بروز مشکل در تولید یا افزایش قیمت محصولات غذایی، افکار عمومی معمولاً وزارت جهاد کشاورزی را مسئول می‌داند. آیا این وزارتخانه در برابر نتایج تصمیم‌هایی که خارج از اختیارش گرفته می‌شود نیز باید پاسخگو باشد؟

هر مسئولیتی که به یک دستگاه سپرده می‌شود، آن دستگاه باید پاسخگوی عملکرد خود باشد. من جزو مدیرانی نیستم که بخواهم تقصیر را به گردن دیگران بیندازم. وزارت جهاد کشاورزی مسئولیت تأمین امنیت غذایی را بر عهده دارد و باید هماهنگی‌های لازم را با سایر دستگاه‌ها انجام دهد.

برای مثال، اگر وزارت نیرو نتواند آب مورد نیاز را تأمین کند یا در حوزه سوخت با وزارت نفت و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز مسئله‌ای وجود داشته باشد، وزارت جهاد کشاورزی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. از این منظر، خودمان را مسئول می‌دانیم و معتقدیم باید برای حل مشکلات و جلب هماهنگی‌ها وارد عمل شویم. البته اینکه تمام موفقیت‌ها را به نام یک دستگاه ثبت کنیم و از نقش سایر دستگاه‌ها غافل شویم نیز منصفانه نیست. امنیت غذایی حاصل همکاری مجموعه دولت است.

یکی از نمونه‌های روشن این وابستگی، تأمین سوخت ماشین‌آلات کشاورزی است. وزارت جهاد کشاورزی مسئول برآورد نیاز سوخت بخش است، اما تأمین و تخصیص آن در اختیار دستگاه دیگری قرار دارد. اختلاف بر سر محاسبه سهمیه سوخت کشاورزان از کجا ناشی می‌شود؟

در حوزه سوخت، وزارت جهاد کشاورزی تأمین‌کننده سوخت نیست و طبیعتاً متخصص مستقیم این حوزه هم محسوب نمی‌شود. اما براساس مصوبات ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تنها وظیفه برآورد میزان سوخت مورد نیاز انواع ماشین‌آلات کشاورزی، موتورپمپ‌ها و تجهیزات مرتبط به این وزارتخانه واگذار شده است. قرار است این برآوردها از طریق سامانه مورد نظر وزارت نفت، یعنی سامانه سدف، مورد استفاده قرار بگیرد و فرایند تخصیص سوخت براساس آن انجام شود.

یکی از مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد، نحوه محاسبه میزان مصرف ماشین‌آلات است. کارخانه سازنده هر ماشین کشاورزی، میزان مصرف سوخت ساعتی آن را مشخص می‌کند. بنابراین این اعداد براساس آزمون و حدس تعیین نشده‌اند، بلکه اطلاعات فنی اعلام‌شده از سوی سازندگان هستند.

اگر وزارت نفت این اعداد را مبنای محاسبه قرار می‌داد و می‌پذیرفت که هر دستگاه براساس میزان مصرف اعلام‌شده از سوی کارخانه سازنده به سوخت نیاز دارد، بخش مهمی از اختلاف‌ها برطرف می‌شد. مشکل اینجاست که به این اعداد تمکین نمی‌شود و به همین دلیل ناچار شده‌ایم به‌دنبال فرمول‌های محاسباتی دیگری برویم.

یعنی وزارت جهاد کشاورزی معتقد است مبنای محاسبه سهمیه سوخت باید اطلاعات فنی کارخانه‌های سازنده باشد، اما وزارت نفت این مبنا را نپذیرفته است؟

بله، اگر به اطلاعات اعلام‌شده از سوی سازندگان تمکین شود، اساساً نیازی به پیچیده‌کردن فرایند محاسبه نیست. سازنده مشخص کرده است که هر ماشین در هر ساعت چه میزان سوخت مصرف می‌کند و می‌توان براساس همین اطلاعات، نیاز سوختی ماشین‌آلات را محاسبه کرد.

اما چون این مبنا مورد پذیرش قرار نگرفته، همکاران ما به‌دنبال تدوین فرمول‌های دیگری رفته‌اند. طبیعتاً وزارت جهاد کشاورزی به‌تنهایی نمی‌تواند در این زمینه تصمیم بگیرد و برای محاسبه دقیق‌تر باید از ظرفیت مراکز علمی و آزمون‌های تخصصی استفاده کند.

اخیراً همکاران ما با استفاده از این ظرفیت‌ها فرمولی را محاسبه کرده‌اند و اکنون در حال برگزاری جلسات با وزارت نفت و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز هستیم تا به ادبیات مشترکی در زمینه محاسبه و تخصیص سوخت برسیم.

با توجه به اینکه این اختلاف مستقیماً بر عملیات کشاورزی تأثیر می‌گذارد، وزارت جهاد کشاورزی تا چه اندازه در حل آن مسئولیت دارد؟ آیا این وزارتخانه صرفاً باید نیاز را برآورد کند یا می‌تواند در فرایند تخصیص و تعیین سهمیه نیز نقش مؤثری داشته باشد؟

همان‌طور که عرض کردم، ما تأمین‌کننده سوخت نیستیم و مسئولیت مستقیم این حوزه نیز در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار ندارد. اما این مسئله به معنای آن نیست که نسبت به پیامدهای آن مسئولیتی نداریم. اگر سوخت مورد نیاز ماشین‌آلات تأمین نشود، عملیات زراعی انجام نمی‌شود و وقتی عملیات زراعی متوقف شود، در حوزه تولید و تأمین غذا با مشکل مواجه خواهیم شد. بنابراین از این منظر خودمان را مسئول می‌دانیم و معتقدیم باید برای حل مسئله وارد عمل شویم.

همکاران ما با وجود اینکه این حوزه مستقیماً در حیطه وظایف تخصصی وزارت جهاد کشاورزی نیست، برای تدوین فرمول محاسبه مصرف و ایجاد هماهنگی با دستگاه‌های مسئول تلاش کرده‌اند. هدف این است که به جمع‌بندی مشترکی برسیم تا کشاورزان، دست‌کم مانند دو سال قبل، دغدغه تأمین سوخت نداشته باشند. البته انکار نمی‌کنیم که در برخی استان‌ها مسئله بدمصرفی نیز وجود دارد.

مسئله ماشین‌آلات فقط به سوخت محدود نمی‌شود. بخش قابل توجهی از ماشین‌آلات مورد استفاده در کشاورزی از نظر بهره‌وری و فناوری با استانداردهای روز فاصله دارند. چرا سیاست‌گذاری و مدیریت صنعت ماشین‌آلات کشاورزی همچنان خارج از وزارت جهاد کشاورزی انجام می‌شود؟

ماشین‌آلات کشاورزی در ساختار فعلی در حوزه وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارند. البته این تقسیم وظایف با ماهیت نیازهای بخش کشاورزی تناسب کاملی ندارد. وزارت صمت در حوزه تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات صنعتی مسئولیت‌های گسترده‌ای دارد و ممکن است ماشین‌آلات کشاورزی در اولویت‌های بعدی قرار بگیرند.

اعتقاد ما این است که ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی باید در دل بخش کشاورزی تعریف شوند تا متناسب با نیازهای تولید، سیاست‌گذاری و تأمین شوند. قانون انتزاع نیز در همین راستا تکالیفی را مشخص کرده بود، اما اجرای آن با اختلاف برداشت دستگاه‌ها و مشکلات هماهنگی مواجه شده است.

در قانون جدید پشتیبانی و رفع موانع تولید نیز بر اجرای قوانین قبلی تأکید شده است و ما در حال پیگیری هستیم تا تقسیم وظایف به شکلی انجام شود که موضوعات مرتبط با کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی سیاست‌گذاری شوند.

یکی دیگر از حوزه‌های وابستگی بخش کشاورزی به سایر دستگاه‌ها، تأمین مالی است. پس از حذف ارز ترجیحی، سرمایه در گردش مورد نیاز تولیدکنندگان به‌شدت افزایش یافت. وزارت جهاد کشاورزی چه ابزاری برای جبران این فشار در اختیار داشت؟

هنگام اجرای سیاست جدید ارزی، پیش‌بینی کرده بودیم که سرمایه بانک کشاورزی به میزان ۵۰ همت افزایش پیدا کند و این بانک نیز مکلف شود پنج برابر این میزان تسهیلات در اختیار بخش کشاورزی قرار دهد. اما در جریان جنگ، این افزایش سرمایه محقق نشد.

برای جبران بخشی از نیاز مالی تولیدکنندگان، به‌سمت ابزارهای نوین تأمین مالی رفتیم. در این مدت از روش‌هایی مانند نوویپو و اوراق سپرده استفاده شد و حدود ۱۲۵ همت تأمین مالی از این مسیر انجام شده است.

با این حال، معتقدیم بانک کشاورزی به‌عنوان بانک تخصصی بخش باید منابع و سرمایه بیشتری در اختیار داشته باشد. در همین زمینه با بانک مرکزی مکاتبه کرده‌ایم تا این بانک بتواند از محل منابع خودش، متناسب با نیازهای جدید تولیدکنندگان، تسهیلات بیشتری پرداخت کند.

آیا این ابزارهای مالی توانسته‌اند تمام فشار ناشی از افزایش هزینه تأمین نهاده‌ها را جبران کنند؟

نیاز مالی بخش کشاورزی پس از آزادسازی نرخ ارز افزایش پیدا کرده است. دامدار یا مرغداری که پیش‌تر نهاده را با قیمت پایین‌تری تأمین می‌کرد، اکنون باید منابع ریالی بسیار بیشتری برای خرید همان نهاده اختصاص دهد. این موضوع نیاز به سرمایه در گردش را افزایش داده است.

ما از روش‌های جدید تأمین مالی استفاده کرده‌ایم و بانک‌های دیگری نیز برای مشارکت اعلام آمادگی کرده‌اند. اما تأمین مالی بخش کشاورزی دیگر نمی‌تواند صرفاً با روش‌های سنتی گذشته انجام شود. تولیدکنندگان نیز باید به‌سمت استفاده از ابزارهای جدید حرکت کنند.

در کنار این مشکلات، وزارت جهاد کشاورزی هم‌زمان مسئول حمایت از تولیدکننده و تنظیم بازار برای مصرف‌کننده است. این دو مسئولیت گاهی در تعارض قرار می‌گیرند؛ به‌ویژه زمانی که کشاورز به‌دنبال فروش محصول با قیمت بالاتر است و مصرف‌کننده توان خرید آن را ندارد. راه‌حل وزارتخانه چیست؟

برای هر محصول کشاورزی می‌توان هزینه تمام‌شده را محاسبه کرد و سود متعارفی نیز برای تولیدکننده در نظر گرفت. نمی‌توان انتظار داشت کشاورز با هزینه‌های مشخص تولید کند، اما محصولش را بدون در نظر گرفتن هزینه‌ها و سود متعارف عرضه کند.

از سوی دیگر، بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از هزینه‌هایی مانند حمل‌ونقل، دستمزد و سوخت است که خارج از اختیار کشاورز قرار دارد. دولت باید برای حمایت از مصرف‌کننده سازوکارهای مناسبی داشته باشد.

یکی از راهکارهایی که دنبال کرده‌ایم، عرضه مستقیم محصولات از طریق تشکل‌های تولیدی و تعاونی‌ها در قالب روستابازارهاست. هدف ما این بوده که تشکل‌های تولیدی، اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها بتوانند محصولات کشاورزان را مستقیماً عرضه کنند. هرچه تعداد واسطه‌ها کمتر شود، سهم بیشتری از ارزش محصول به تولیدکننده می‌رسد و مصرف‌کننده نیز می‌تواند محصول را با قیمت مناسب‌تری خریداری کند.

در این زمینه مکاتباتی با شهرداری تهران نیز انجام شده، اما به‌ویژه در این شهر زمین‌های مورد نیاز در اختیار تشکل‌ها قرار نگرفته است. احتمالاً دلیل آن فعالیت خود شهرداری در عرضه محصولات در قالب میادین میوه و تره‌بار است؛ فعالیتی که به‌هرحال یک حلقه واسط دیگر میان کشاورز و مصرف‌کننده اضافه می‌کند. معتقدیم روستابازارها و عرضه مستقیم می‌توانند در کاهش فاصله قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده مؤثر باشند.

شهرداری تهران طرحی با عنوان تورم صفر در بازار محصولات غذایی مطرح کرده است. آیا چنین طرحی قابلیت اجرا دارد؟ آیا می‌توان با مداخله در بازار، تورم مواد غذایی را برای یک دوره مشخص به صفر رساند؟

دولت‌ها می‌توانند سیاست‌های مختلفی برای تأمین امنیت غذایی و حمایت از مصرف‌کننده در پیش بگیرند. در گذشته، سیاست‌هایی مانند تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی و پس از آن ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی اجرا شد. این سیاست‌ها در واقع نوعی پرداخت یارانه برای کاهش فشار تورم مواد غذایی بر مصرف‌کننده و تولیدکننده بودند.

اما باید میان دو موضوع تفاوت قائل شد. یک‌بار دولت می‌پذیرد که تورم وجود دارد و برای جبران آثار آن منابعی اختصاص می‌دهد تا فشار افزایش قیمت به مصرف‌کننده یا تولیدکننده منتقل نشود. بار دیگر قرار است با دستور، تورم را صفر کنیم. این دو سیاست با یکدیگر متفاوت‌اند.

برای مثال، اکنون تورم ماهانه مواد خوراکی در دو ماه اخیر حدود ۲.۴ درصد بوده و پس از اجرای سیاست آزادسازی نرخ ارز، ابتدا افزایش بیشتری داشته و سپس روند نزولی و تعادلی پیدا کرده است. اگر همین میزان را به‌عنوان متوسط در نظر بگیریم، می‌توان تورم سالانه مواد خوراکی را برای پایان سال حدود ۲۵ تا ۲۶ درصد برآورد کرد. این یک واقعیت اقتصادی است که نمی‌توان آن را با دستور نادیده گرفت.

پس از نظر شما، اجرای طرح تورم صفر مستلزم آن است که شهرداری هزینه افزایش قیمت‌ها را خودش پرداخت کند؟

اگر قرار باشد تورم مواد غذایی صفر شود، باید منابع مالی مشخصی برای این کار اختصاص پیدا کند. برای مثال، شهرداری یا دولت باید محاسبه کند که جبران افزایش هزینه‌ها به چه میزان منابع نیاز دارد و این منابع را از محل درآمدهای خود تأمین کند.

اگر قرار باشد تورم به شکل دستوری صفر شود، بدون اینکه منابع لازم برای جبران هزینه‌های تولید در نظر گرفته شود، این سیاست در نهایت خودش را در جای دیگری نشان خواهد داد. اقتصاد را نمی‌توان با دستور اداره کرد. ممکن است برای مدتی قیمت‌ها را کنترل کنیم، اما پس از مدتی آثار این مداخله در بخش تولید نمایان می‌شود.

هر محصول کشاورزی یک هزینه تمام‌شده دارد و تولیدکننده باید علاوه بر پوشش این هزینه‌ها، سود متعارفی هم دریافت کند. اگر من به‌عنوان سیاست‌گذار به تولیدکننده بگویم محصولش را با قیمتی پایین‌تر از هزینه واقعی تولید عرضه کند، طبیعی است که این تولیدکننده در ادامه فعالیت خود با مشکل مواجه می‌شود.

برای مثال، اگر قرار باشد مرکبات را از تولیدکننده با یک قیمت مشخص خریداری کنیم و با قیمت پایین‌تری به مصرف‌کننده عرضه کنیم، باید مشخص باشد مابه‌التفاوت این دو قیمت از کجا تأمین می‌شود. تولیدکننده نمی‌تواند هزینه‌های خود را از محل دیگری جبران کند.

ممکن است حاکمیت برای مدتی قدرت اعمال چنین سیاستی را داشته باشد، اما در نهایت این فشار در بخش تولید خودش را نشان می‌دهد و می‌تواند به کاهش تولید منجر شود. بنابراین چنین سیاستی در بلندمدت به نفع بخش کشاورزی نیست و آسیب‌زاست.

اما در شرایطی که قدرت خرید خانوارها کاهش پیدا کرده، نمی‌توان صرفاً از ضرورت حفظ سود تولیدکننده صحبت کرد. مردم نیز توان خرید محصولات غذایی با قیمت‌های رو به افزایش را ندارند. راهکار جایگزین چیست؟

حمایت از مصرف‌کننده ضروری است، اما این حمایت باید از مسیرهای مناسب انجام شود. اگر دولت منابعی در اختیار دارد، می‌تواند هزینه‌های افزایش قیمت را جبران کند و اجازه ندهد تمام فشار به مصرف‌کننده منتقل شود. سیاست‌هایی مانند کالابرگ نیز با همین هدف دنبال می‌شوند.

در عین حال، باید تلاش کنیم هزینه تمام‌شده تولید را کاهش دهیم. واحدهای تخصصی وزارت جهاد کشاورزی و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در این زمینه وظایفی دارند. افزایش بهره‌وری، ارتقای عملکرد در واحد سطح و استفاده بهینه از عوامل تولید می‌تواند هزینه تولید را کاهش دهد.

این اقدامات هم به نفع تولیدکننده است و هم مصرف‌کننده؛ زیرا وقتی هزینه تمام‌شده محصول کاهش پیدا کند، امکان عرضه آن با قیمت مناسب‌تر نیز فراهم می‌شود.

بنابراین شما با اصل حمایت از مصرف‌کننده مخالف نیستید، بلکه معتقدید این حمایت نباید از محل تحمیل زیان به تولیدکننده انجام شود؟

دقیقاً. باید میان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده تعادل برقرار کنیم. تولیدکننده باید بتواند هزینه‌های خود را پوشش دهد و سود متعارفی داشته باشد تا تولید استمرار پیدا کند. از سوی دیگر، دولت نیز باید سازوکارهایی برای حمایت از مصرف‌کننده داشته باشد.

نمی‌توان با تثبیت دستوری قیمت‌ها، هزینه‌های واقعی تولید را نادیده گرفت. اگر قرار است قیمت برای مصرف‌کننده کاهش پیدا کند، باید منابع جبران این کاهش مشخص باشد. در غیر این صورت، فشار این سیاست به تولید منتقل می‌شود و در آینده ممکن است با کاهش تولید و مشکلات بیشتری در بازار مواجه شویم.

در نهایت، آیا می‌توان گفت مشکل اصلی بخش کشاورزی صرفاً کمبود منابع و امکانات نیست، بلکه پراکندگی اختیار و مسئولیت میان دستگاه‌های مختلف نیز مانع تحقق اهداف این بخش شده است؟

هماهنگی میان دستگاه‌ها برای تحقق اهداف بخش کشاورزی ضروری است. ما در وزارت جهاد کشاورزی تلاش کرده‌ایم این هماهنگی را ایجاد کنیم و معتقدیم در دولت فعلی همکاری دستگاه‌های اقتصادی بهتر شده است. البته هنوز اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که باید برطرف شود.

در عین حال، بخش کشاورزی باید به‌سمت افزایش بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های جدید و تقویت تشکل‌های تولیدی حرکت کند. حدود ۹۸ درصد فعالیت‌های این بخش را بخش خصوصی انجام می‌دهد و نمی‌توان انتظار داشت دولت برای همیشه متولی تمام امور تصدی‌گری باشد. دولت باید سیاست‌گذاری و پشتیبانی کند و بخش خصوصی و تشکل‌ها مسئولیت بیشتری در اداره فعالیت‌های اقتصادی خود بر عهده بگیرند.

بخش کشاورزی یک بخش اقتصادی است و نمی‌تواند خود را از سایر بخش‌های اقتصادی جدا بداند تحقق اهداف این بخش به همکاری دستگاه‌های مختلف نیاز دارد برای مثال، مدیریت کلان آب در اختیار وزارت نیرو است، تأمین سوخت به وزارت نفت مربوط می‌شود، سیاست‌های ارزی و تأمین ارز به بانک مرکزی ارتباط دارد و منابع مالی و بودجه‌ای نیز به سازمان برنامه و بودجه وابسته است

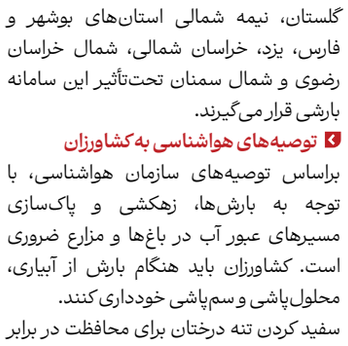
باید میان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده تعادل برقرار کنیم. تولیدکننده باید بتواند هزینه‌های خود را پوشش دهد و سود متعارفی داشته باشد تا تولید استمرار پیدا کند. از سوی دیگر دولت نیز باید سازوکارهایی برای حمایت از مصرف‌کننده داشته باشد

در تهران زمین‌های مورد نیاز در اختیار تشکل‌ها قرار نگرفته است. احتمالاً دلیل آن فعالیت خود شهرداری در عرضه محصولات در قالب میادین میوه و تره‌بار است؛ فعالیتی که به‌هرحال یک حلقه واسط دیگر میان کشاورز و مصرف‌کننده اضافه می‌کند

خبر

سازمان هواشناسی کشور هشدار داد

احتمال تخریب محصولات کشاورزی در ۲۷ استان



سازمان هواشناسی کشور با صدور نخستین هشدار سطح نارنجی ویژه کشاورزان، از فعالیت و تشدید سامانه بارشی در بخش‌هایی از کشور در روزهای شنبه ۱۶ آبان و یکشنبه ۱۷ آبان خبر داد و درباره احتمال خسارت به بخش کشاورزی هشدار داد.

براساس این هشدار، فردا (شنبه ۱۶ آبان)، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، ایلام، لرستان، کرمانشاه، کردستان، همدان، مرکزی، اصفهان، نیمه شمالی فارس، شمال بوشهر، تهران، قم، البرز، قزوین، زنجان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، شمال و غرب سمنان و ارتفاعات گیلان و مازندران تحت‌تأثیر سامانه بارشی قرار می‌گیرند.

براساس پیش‌بینی سازمان هواشناسی، روز یکشنبه ۱۷ آبان نیز خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، تهران، البرز، قزوین، زنجان، مرکزی، همدان، اصفهان، قم، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، نیمه شمالی استان‌های بوشهر و فارس، یزد، خراسان شمالی، شمال خراسان رضوی و شمال سمنان تحت‌تأثیر این سامانه بارشی قرار می‌گیرند.

توصیه‌های هواشناسی به کشاورزان

براساس توصیه‌های سازمان هواشناسی، با توجه به بارش‌ها، زهکشی و پاک‌سازی مسیرهای عبور آب در باغ‌ها و مزارع ضروری است. کشاورزان باید هنگام بارش از آبیاری، محلول‌پاشی و سم‌پاشی خودداری کنند.

سفید کردن تنه درختان برای محافظت در برابر آفتاب‌سوختگی ناشی از پوشش برف، به‌ویژه در شیب‌های جنوبی و مناطق آفتاب‌گیر، از دیگر توصیه‌های سازمان هواشناسی است. این سازمان همچنین توصیه کرده است که کشاورزان در خاک‌های شور، پس از بارش باران یا برف، برای شستن نمک از محدوده ریشه آبیاری کنند.

سازمان هواشناسی همچنین بر انتقال سریع محصولات برداشت‌شده، از جمله سیب‌زمینی، سیب، انگور، مرکبات و ذرت، به مکان‌های مسقف و حفاظت از مزارع صیفی‌جات در استان‌های جنوب‌غربی و جنوبی کشور تأکید کرده است.

همچنین با توجه به کاهش دما، تهویه، تنظیم دما و تأمین سوخت موردنیاز در سالن‌های پرورش قارچ، گلخانه‌ها و انبارها ضروری است. گلخانه‌داران باید سقف گلخانه‌ها را ترمیم و در برابر وزش باد مستحکم کنند.

کنترل دما و رطوبت انبارها برای جلوگیری از خسارت ناشی از بیماری‌های قارچی و بسته نگه‌داشتن دریچه‌های گلخانه‌ها هنگام کاهش دما و بارش، از دیگر توصیه‌های سازمان هواشناسی است.

از سوی دیگر، با توجه به کاهش دما، بهره‌برداران مرغداری‌ها و دامداری‌ها باید به تهویه، تنظیم دما و تأمین سوخت سالن‌ها توجه کنند.

سازمان هواشناسی همچنین به دامداران توصیه کرده است از آب باران برای مصرف دام‌ها استفاده نکنند و با توجه به کاهش دما، خوراک پرانرژی برای آن‌ها تهیه کنند. جلوگیری از نفوذ هوای سرد و روان‌آب به سالن‌ها و پایش آنفلوانزای فوق‌حاد پرندگان در مرغداری‌ها نیز از دیگر توصیه‌های این سازمان است.

سازمان هواشناسی به بهره‌برداران استخرهای پرورش ماهی توصیه کرده است دریچه‌های ورودی و خروجی آب استخرها را پاک‌سازی، تنظیم و کنترل کنند.

با توجه به حجم بالای روان‌آب و احتمال سیلابی شدن رودخانه‌ها، بهره‌برداران باید از ورود آب گل‌آلود به استخرها جلوگیری کنند. همچنین باید کوددهی به استخرهای پرورش ماهیان گرم‌آبی را متوقف کنند و به‌دلیل افزایش ابرناکی و کاهش دما، میزان غذادهی را به نصف مقدار معمول برسانند.

سازمان هواشناسی به دامداران و عشایر نیز توصیه کرده است هنگام بارندگی از تردد در ارتفاعات و توقف در حاشیه رودخانه‌ها و مسیل‌ها خودداری کنند.

عایق‌بندی و محافظت از کندوها در برابر بارش، کاهش دما و وزش باد، خودداری از چرای دام در مراتع و انتقال دام‌ها به مکان‌های سرپوشیده هنگام بارش نیز از دیگر توصیه‌های سازمان هواشناسی است.

با توجه به کاهش دما و آغاز بارش‌ها، کشاورزان باید از تردد ماشین‌آلات کشاورزی در مزارع خودداری و از ادوات کشاورزی محافظت کنند. | مهر

یادداشت

جنگل زیر بار کمپ‌های گردشگری



| بهرنگ فرید |
رئیس هیئت‌مدیره انجمن بوم‌بانان گیلان |

آثار محیط‌زیستی کمپ‌های جنگلی را می‌توان از نظر زمانی به دو گروه کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد. این تفکیک از آن جهت اهمیت دارد که بخشی از آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های گردشگری بلافاصله پس از احداث یا آغاز بهره‌برداری قابل مشاهده‌اند، در حالی که برخی دیگر به‌صورت تدریجی و در اثر تداوم فشارهای انسانی ظاهر می‌شوند. تمرکز اصلی این یادداشت بر این است که نشان دهیم آسیب کمپ‌های جنگلی صرفاً به زمان حضور گردشگران محدود نیست، بلکه آثار آن می‌تواند در طول زمان انباشته شود و به تخریب ساختاری اکوسیستم جنگلی منجر شود. آثار کوتاه‌مدت عمدتاً هم‌زمان با عملیات احداث، آماده‌سازی زمین و آغاز فعالیت کمپ بروز می‌کنند. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

الف) تخریب اولیه پوشش گیاهی:

پاک‌سازی عرصه، تسطیح زمین، احداث مسیرهای دسترسی، نصب تجهیزات و ایجاد فضاهای اقامتی موجب حذف یا آسیب مستقیم به پوشش گیاهی طبیعی می‌شود. این تخریب ممکن است حتی در محدوده‌ای کوچک، زیستگاه گونه‌های گیاهی حساس را از بین ببرد.

ب) آشفتگی زیستگاه جانوری:

ورود ماشین‌آلات، افزایش تردد انسانی، سروصدا و فعالیت‌های عمرانی می‌تواند موجب فرار جانوران از محدوده فعالیت و برهم‌خوردن الگوهای طبیعی تغذیه و استراحت آن‌ها شود.

ج) آلودگی موقت و موضعی:

فعالیت ماشین‌آلات، تولید گردوغبار، نشت احتمالی سوخت و روغن و پراکندگی مصالح ساختمانی می‌تواند موجب آلودگی خاک و منابع آبی اطراف شود.

د) افزایش فشار بر منابع طبیعی:

با آغاز فعالیت کمپ، مصرف آب، تولید زباله و استفاده از منابع محلی افزایش پیدا می‌کند. در صورت نبود زیرساخت‌های مناسب، این فشار از همان مراحل اولیه قابل مشاهده خواهد بود.

ه) افزایش احتمال آتش‌سوزی:

افزایش حضور انسان، استفاده از وسایل گرمایشی و پخت‌وپز و بی‌احتیاطی در مدیریت آتش، احتمال وقوع حریق را افزایش می‌دهد.

آثار بلندمدت معمولاً در نتیجه تداوم فعالیت کمپ، افزایش تعداد گردشگران و توسعه تدریجی زیرساخت‌ها ایجاد می‌شوند. این آثار از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ زیرا ممکن است موجب تغییرات پایدار یا حتی برگشت‌ناپذیر در ساختار اکولوژیک جنگل شوند.

الف) کاهش تنوع زیستی:

تخریب مستمر پوشش گیاهی، اختلال در چرخه تولیدمثل جانوران و کاهش کیفیت زیستگاه می‌تواند در بلندمدت به کاهش جمعیت گونه‌های حساس و تغییر ترکیب جوامع گیاهی و جانوری منجر شود.

ب) تخریب تدریجی ساختار خاک:

تردد مداوم گردشگران و خودروها موجب فشردگی خاک، کاهش نفوذپذیری و اختلال در فعالیت موجودات زنده خاکزی می‌شود. این روند در بلندمدت ظرفیت طبیعی خاک برای حفظ رطوبت، تأمین مواد غذایی و پشتیبانی از رشد پوشش گیاهی را کاهش می‌دهد.

ج) تغییر در رژیم هیدرولوژیک منطقه:

افزایش سطوح کوبیده‌شده و نفوذناپذیر، تغییر مسیر رواناب و کاهش نفوذ آب به خاک می‌تواند بر تغذیه منابع آب زیرزمینی و الگوی جریان آب‌های سطحی تأثیر بگذارد.

د) گسترش گونه‌های مهاجم:

رفت‌وآمد گردشگران و خودروها و انتقال ناخواسته بذر گیاهان غیربومی از طریق کفش، لاستیک خودرو و تجهیزات کمپینگ می‌تواند زمینه گسترش گونه‌های مهاجم را فراهم کند. این گونه‌ها در برخی شرایط با گونه‌های بومی رقابت می‌کنند و تعادل طبیعی اکوسیستم را مختل می‌سازند.

ه) تکه‌تکه شدن زیستگاه‌های طبیعی:

گسترش پارکینگ‌ها، جاده‌ها و تأسیسات خدماتی می‌تواند پیوستگی زیستگاه جنگلی را کاهش دهد و در نهایت دسترسی جانوران به منابع غذایی، محل تولیدمثل و مسیرهای جابه‌جایی را محدود کند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.



ارکا | رزم

پنج دهه استخراج از معدن «چناره» در اندیمشک، با اعتراض اهالی به تخریب طبیعت کاهش منابع آب و بی‌توجهی به زندگی روستاهای اطراف همراه بوده است

رونق معدن، زوال زندگی در دامنه زاگرس

دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی خوزستان: سال‌هاست تنوع زیستی و جانوری در این کوه وجود ندارد. همه حیوان‌ها از بین رفته‌اند و دامنه جنگل‌های الوار هیچ درختی ندارد

کوه چنار دیگر شبیه گذشته نیست. در خاطره اهالی روستاهای اطراف معدن چناره در نزدیکی اندیمشک، از چشمه‌هایی که روزگاری از دامنه‌هایش پایین می‌آمدند، چیزی باقی نمانده و از بلوط‌ها و بنه‌هایش، درختانی کم‌جان و کم‌بار، حالا هر بار که انفجارهای معدن کوه را می‌لرزاند، غبار بیشتری بر خانه‌ها، زمین‌های کشاورزی و زندگی مردم کلگه‌دره یک، دو و جهانگیری می‌نشیند. از کوه، ماکتی بی‌جان و بی‌رمق باقی مانده و با وجود نزدیک به نیم‌قرن استخراج از آن، چناره را همچنان از ظرفیت‌های مهم معدنی خوزستان می‌دانند. اما در این سال‌ها، آنچه نصیب ساکنان اطراف شده، فقط غبار، کمبود آب، نگرانی از انفجارها و تماشای فرسودگی طبیعت بوده است.



| فروغ فکری |
روزنامه‌نگار |

دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی خوزستان: هیچ کاری برای مردم منطقه نکرده‌اند و مسئولان محیط‌زیست هم از پاسخ به مردم و تشکل‌ها طفره می‌روند ما نمی‌دانیم آیا تعهداتی داشتند و به آن عمل نکرده‌اند یا نه

کودکی محمدرضا نجفوند با دیدن چشمه‌هایی گذشت که از چنار پایین می‌آمدند و حالا به‌جای آب، خاک و غبار از کوهی پایین می‌آید که او می‌گوید شبیه ماکتی بی‌جان و بی‌رمق است. او اهل روستایی در نزدیکی معدن سنگ‌آهن چناره است. در امتداد زاگرس، جایی که از زیبایی بی‌بدیلش چیزی باقی نمانده است، «دایی‌ام می‌گوید بنه کوهی و بلوط‌ها شاید پنج سال یک‌بار بار بدهند. همه‌چیز در اثر فعالیت افسارگسیخته معدن از هم پاشیده است؛ نه درختی هست، نه زندگی.» این را دیگر اهالی روستا هم می‌گویند؛ در شمال خوزستان، در نیم‌قرن گذشته، زندگی برایشان سخت و سخت‌تر شده است. «منطقه ما کشاورزی دیم دارد. نمی‌دانید خوشه‌های گندم چه شکلی دارند. باید خاک و غبار روی آن‌ها را ببینید. محصولات کم شده، آب هم نیست و چشمه را خشکانده‌اند. در این وضعیت چه باید کرد؟»

دیوار خانه‌های اغلب اهالی روستاهای کلگه‌دره یک، کلگه‌دره دو و جهانگیری که در اطراف معدن‌اند، ترک برداشته است. انفجارهای پی‌درپی خانه‌های قدیمی روستاها را به لرزه درآورده و اهالی، به‌غیر از ترس ریزش خانه‌هایشان، باید با غبار آهک هم دست‌وپنجه نرم کنند؛ چنین غباری پوست را ضعیف می‌کند و باعث خارش و آسیب آن می‌شود: «کوه مایل به زرد است، بور است و شبیه به ماکت شده. کوهی که در امتداد زاگرس است، درخت ندارد؛ یا برای رفت‌وآمد معدن درخت‌ها را بریده‌اند یا خودشان خشک شده‌اند.» او می‌گوید علاوه‌بر این معدن، نگرانی از فعالیت کارخانه سیمانی که در چند کیلومتری آن‌هاست هم جدی است و نگران افزایش آلایندگی‌اند.

نیم‌قرن فعالیت معدنی همراه با تخریب

معدن چناره در محدوده روستای کلگه‌دره، از توابع اندیمشک، قرار دارد و روستاهای کلگه‌دره یک، کلگه‌دره دو و جهانگیری در نزدیکی آن‌اند. بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت کلگه‌دره یک ۲۹۵ نفر، کلگه‌دره دو ۶۲۵ نفر و جهانگیری ۶۰۵ نفر بوده است. در چنین جغرافیایی، فعالیت معدن از زندگی خانه‌های اطراف جدا نیست.

سابقه مطالعات اکتشافی این محدوده به دهه ۱۳۵۰ بازمی‌گردد. در ۱۳۵۴ قراردادی میان شرکت ملی صنایع فولاد ایران و مؤسسه ژئوفیزیک یوگسلاوی منعقد شد و یک سال بعد، مطالعات اکتشافی در سه محدوده انجام گرفت. محدوده کلگه‌دره و چناره برای بررسی بیشتر انتخاب شد. در سال ۱۳۵۷، شرکت سوئدی گرانژ مطالعات مهندسی و برآورد ذخیره را دنبال کرد و گزارش سازمان زمین‌شناسی در ۱۳۵۹ نیز ویژگی سنگ‌های منطقه را بررسی کرد. این گزارش از وجود گوگرد در برخی نمونه‌های سنگ‌آهک خبر می‌داد و بررسی بیشتر را ضروری می‌دانست.

در ۱۳۷۰، شرکت تأمین مواد معدنی صنایع فولاد با هدف تأمین سنگ‌آهک و دولومیت مورد نیاز صنایع تأسیس شد و بهره‌برداری از معادن چناره نیز در مسیر فعالیت این مجموعه قرار گرفت. به‌این‌ترتیب، ذخیره معدنی منطقه وارد زنجیره تأمین مواد اولیه صنعت شد.

در روایت‌های محلی که دست‌کم به سال ۱۳۹۲ بازمی‌گردد، اهالی از صدای انفجارها، لرزش ناشی از عملیات، گردوغبار خردایش، حمل سنگ و تردد خودروهای سنگین گلایه کرده‌اند. برخی نیز از پرتاب قطعات سنگ هنگام انفجار و نگرانی درباره خانه‌های نزدیک معدن گفته‌اند. نگرانی درباره اثر فعالیت معدنی بر زمین‌های کشاورزی و مراتع و خرید برخی خانه‌های اطراف از سوی شرکت نیز در این روایت‌ها مطرح شده است.

در سوی دیگر ماجرا، جهانبخش قلاوند، نماینده مردم اندیمشک در مجلس، چناره را از معادن مهم آهک و دولومیت خوزستان و بزرگ‌ترین معدن سنگ‌آهن استان توصیف کرده و گفته است این معدن با وجود بیش از ۵۰ سال فعالیت، تاکنون توسعه پیدا نکرده است. این اظهارنظر بر ظرفیت اقتصادی معدن و ضرورت توسعه آن تأکید دارد، اما پاسخی به شکایت‌های اهالی درباره گردوغبار، انفجارها و آثار احتمالی فعالیت معدن بر زندگی‌شان نیست.

اهمیت اقتصادی معدن در خبر دیگری نیز بازتاب یافته است. اول مهر ۱۴۰۴، راه‌آهن جنوب از برنامه‌ریزی برای حمل محموله شن معدن چناره به بندر امام خمینی خبر داد. بر اساس این خبر، در صورت جذب بار، امکان بارگیری روزانه ۱۵۰ واگن و جابه‌جایی ماهانه ۲۵۰ هزار تن پیش‌بینی شده بود؛ این ارقام مربوط به ظرفیت برنامه‌ریزی‌شده است، نه آمار قطعی حمل انجام‌شده. با وجود این خبرها، اطلاعات جامعی از پایش کیفیت هوا و آب یا ارزیابی آثار محیط‌زیستی معدن در دسترس نیست.

فشار معادن بر منابع آب خوزستان

خوزستان حدود ۲۵۰ معدن دارای پروانه دارد که از این تعداد، ۱۲۰ تا ۱۳۰ معدن فعال‌اند. به گفته حسین غبیشاوی، معاون امور معادن سازمان صنعت، معدن و تجارت خوزستان، ۸۷ درصد معادن استان در حوزه مخلوط کوهی و سنگ‌لاشه فعالیت می‌کنند و استخراج غیراصولی این مواد ممکن است به تغییر سیمای کوهستان، تخریب پوشش گیاهی و فرسایش خاک منجر شود.

در شمال خوزستان، مسئله فقط شمار معادن نیست؛ چگونگی فعالیت آن‌ها و هزینه‌ای است که طبیعت و جوامع محلی می‌پردازند. اندیمشک و مناطق پیرامونی آن، از سویی ظرفیت‌های معدنی دارند و از سوی دیگر با محدودیت منابع طبیعی و فشار بر منابع آب روبه‌رویند. سازمان آب و برق خوزستان پیش‌تر درباره نزدیک‌شدن منابع آب زیرزمینی دشت دزفول ـ اندیمشک به مرز بحران هشدار داده بود؛ چنین وضعیتی ضرورت ارزیابی اثر فعالیت‌های اقتصادی، از جمله معدن‌کاری، بر منابع آب را جدی‌تر می‌کند.

با این حال، آمار عمومی و به‌روزی از تعداد معادن فعال و غیرفعال اندیمشک و میزان خسارت محیط‌زیستی آن‌ها در دسترس نیست. نبود این اطلاعات، ارزیابی دقیق عملکرد دستگاه‌های نظارتی را دشوار می‌کند. پرسش اصلی این است که سهم مردم منطقه از استخراج منابع چیست و هزینه تخریب احتمالی کوهستان، خاک، پوشش گیاهی و منابع آب را چه کسی می‌پردازد؟

هیچ تعهدی به محیط‌زیست ندارند

«چند وقت قبل، روبه‌روی کوه چنار ایستاده بودم که منفجر شد. تمام روستا لرزید، من هم لرزیدم.» این نخستین باری نیست که صدای انفجار معدن سنگ‌آهن چناره، کوه چنار را کوتاه‌تر کرده و اهالی روستاهای اطراف را پریشان می‌کند. مهرداد قلاوند، دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی خوزستان که خود اهل همین منطقه است، می‌گوید سال‌هاست که از برداشت سنگ‌آهن، فقط نابودی را دیده است. او به «پیام ما» می‌گوید: «این معدن بزرگ‌ترین معدن برداشت سنگ‌آهن خوزستان است؛ اما قدرت نابودکنندگی‌اش هم به همان اندازه بزرگ است. سال‌هاست تنوع زیستی و جانوری در این کوه وجود ندارد. همه حیوان‌ها از بین رفته‌اند و دامنه جنگل‌های الوار هیچ درختی ندارد.»

او می‌گوید تصرفات معدن در سال‌های متمادی آن‌قدر زیاد بوده که کوه به‌کلی از بین رفته و در این مدت هم هیچ شکایت یا درخواستی اثرگذار نبوده است. «معادن کوچک هر روز بیش از گذشته مجوز فعالیت می‌گیرند، بدون آنکه کسی درباره تخریبی که به جا می‌گذارند صحبت کند. برداشت شن و ماسه در اطراف ما تا ۷ متر در جریان است، درحالی‌که باید تا ۳ متر باشد. بیش از دو برابر میزان قانونی برداشت می‌کنند و هیچ‌کس پاسخ‌گوی این حجم از نابودی نیست.»

قلاوند بارها خواسته است از میزان برداشت‌ها مطلع شود، بارها به سازمان‌ها نامه‌نگاری کرده و جوابی نگرفته است. پرسش او این است: چطور معدنی با این میزان برداشت و تخریب در این‌همه سال، مسئولیت اجتماعی در مواجهه با جامعه محلی ندارد؟ «هیچ کاری برای مردم منطقه نکرده‌اند و مسئولان محیط‌زیست هم از پاسخ به مردم و تشکل‌ها طفره می‌روند. ما نمی‌دانیم آیا تعهداتی داشتند و به آن عمل نکرده‌اند یا نه.»

او به بودجه بزرگی اشاره می‌کند که شرکت نفت در حوزه مسئولیت اجتماعی تعیین کرده است و حتی مشخص نیست همان هم چطور هزینه می‌شود. «چرا هیچ‌کدام از این شرکت‌ها، چه بزرگ و چه کوچک، جامعه محلی را نمی‌بینند و ارتباطی با نهادهای مدنی منطقه ندارند؟»

اهالی روستاهای کلگه‌دره یک، کلگه‌دره دو و جهانگیری، پس از سال‌ها برداشت از کوه چنار، ماکتی بی‌رمق از کوه را می‌بینند؛ بی‌آب، بی‌توان و بدون قدرت زایش. آن‌ها که از انفجارهای متعدد و از دست رفتن محصولات و درختان منطقه خسته شده‌اند، می‌خواهند برای یک بار وضعیت برداشت معدن مشخص شود و تعهداتش به جامعه محلی و منطقه عملی شود.

انتخابات آمریکا

دموکرات‌ها با پیوند بحران اقلیم و معیشت رأی گرفتند

از قیمت انرژی تا مراکز داده، «تغییر اقلیم» به مسئله‌ای درباره هزینه‌های زندگی تبدیل شد؛ مسئله‌ای که برای دموکرات‌ها نتیجه‌بخش بود

دموکرات‌های طرفدار محیط‌زیست سه‌شنبه‌شب به قدرت رسیدند؛ موجی آبی کنترل سنا و مجلس نمایندگان را تغییر داد و چندین رقابت فرمانداری را به سود آن‌ها تمام کرد. رأی‌دهندگان به‌شدت بر هزینه‌های زندگی متمرکز بودند و کارشناسان می‌گویند دموکرات‌ها توانستند نگرانی درباره هزینه‌های زندگی را به افزایش قیمت انرژی، مراکز داده و تا حدی بحران اقلیمی پیوند بزنند. آن‌ها حتی ممکن است راهی برای شکل‌گیری «سیاست اقلیمی جدید» گشوده باشند.

نتایج انتخابات ضربه‌ای جدی به دونالد ترامپ بود؛ رئیس‌جمهوری که با آغاز جنگ با ایران، قیمت بنزین را در سراسر کشور افزایش داد و آسیب‌پذیری سوخت‌های فسیلی را آشکار کرد. این در حالی است که صنعت نفت آمریکا از زمان آغاز جنگ ۱۳۰ میلیارد دلار سود به دست آورده است. هزینه انرژی خانوارها نیز به دلایل مختلف، از جمله محدودیت‌های توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، بالای اقلیمی و رونق ساخت مراکز داده، به‌شدت افزایش یافت.

پیش از انتخابات، دموکرات‌هایی که به دیدگاه‌های «طرفدار اقلیم» شناخته می‌شوند، درباره چگونگی طرح این موضوع اختلاف نظر داشتند: آیا باید مستقیماً از تشدید بحران اقلیمی بگویند یا پیام خود را فقط بر هزینه‌های زندگی متمرکز کنند؟ برخی چهره‌های ارشد، از جمله گاوین نیوسام، درباره آنچه «سکوت اقلیمی» نامیده می‌شود هشدار داده بودند.

در نهایت، همان‌طور که یک تحلیل در روز چهارشنبه نشان داد، نتایج انتخابات بیانگر آن بود که «نامزدها می‌توانند با سیاست اقتصادی سبز پیروز شوند».

دموکرات‌ها در ۳۹ مورد از ۵۶ رقابت فدرال مجلس نمایندگان و سنا پیروز شدند؛ نامزدهایی که بیشترین همسویی را با «سیاست اقتصادی سبز» داشتند، ۶ مورد از ۷ رقابت سنا و ۳۳ مورد از ۴۹ رقابت مجلس نمایندگان را از آن خود کردند

بر اساس تحلیلی که مؤسسه «اقلیم و جامعه» (Climate and Community Institute یا CCI) منتشر کرد، نامزدهای موفق «میان بحران هزینه‌های زندگی و بحران اقلیمی ارتباط برقرار کردند و نشان دادند همان بازیگران بد، از جمله شرکت‌های خدمات عمومی، شرکت‌های نفتی، مالکان بزرگ شرکت‌های مسکن و توسعه‌دهندگان مراکز داده، عامل هر دو بحران هستند.»

این تحلیل نشان داد نامزدهایی که بیشترین همسویی را با «سیاست اقتصادی سبز» داشتند، در ۳۹ مورد از ۵۶ رقابت فدرال مجلس نمایندگان و سنا که در آن‌ها شرکت کرده بودند، پیروز شدند؛ یعنی ۷۰ درصد رقابت‌ها. آن‌ها در سنا در ۶ مورد از ۷ رقابت و در مجلس نمایندگان در ۳۳ مورد از ۴۹ رقابت، معادل ۶۷ درصد، پیروز شدند. یوهانا بوزووا، مدیر اجرایی CCI، گفت: «نتایج نشان می‌دهد رأی‌دهندگان رهبرانی می‌خواهند که زندگی را مقرون‌به‌صرفه‌تر کنند، در برابر نخبگان از مردم زحمتکش دفاع کنند و اقلیم را بخش مهمی از این معادله بدانند.»

بیل مک‌کیبن، فعال محیط‌زیست و نویسنده، گفت اگرچه اقلیم در مرکز این انتخابات قرار نداشت، رأی‌دهندگان بر مسائل به‌هم‌پیوسته تمرکز کرده بودند. او گفت: «قیمت انرژی نقش مهمی داشت و جنگ در ایران هم همین‌طور؛ این دو به هم مرتبط‌اند. هر دو به راهبرد رئیس‌جمهور برای سلطه نفتی مربوط می‌شوند؛ راهبردی که مردم متوجه شده‌اند حماقتی پرهزینه است... [موج آبی] رد این تمرکز بر نفت به‌عنوان راه تأمین انرژی آینده بود.»

او افزود مراکز داده به یکی از مهم‌ترین محورهای خشم رأی‌دهندگان تبدیل شده بودند: «هیچ تردیدی نیست که این مهم‌ترین مسئله مشترکی بود که جمهوری‌خواهان، دموکرات‌ها و مستقل‌ها را به حرکت درآورد و آن‌ها را در یک جهت قرار داد.»

بحث درباره چگونگی صحبت از اقلیم در انتخابات ادامه خواهد داشت، اما اکنون توجه‌ها به این معطوف است که دموکرات‌ها پس از تشکیل کنگره جدید چگونه از موفقیت خود استفاده می‌کنند.

کنترل مجلس نمایندگان و سنا به دموکرات‌ها امکان می‌دهد تحقیقات را آغاز کنند و شاهدان و اسناد را احضار کنند. جرد هافمن، نماینده و ارشدترین دموکرات در کمیته منابع طبیعی مجلس نمایندگان، وعده داده است درباره افزایش سرسام‌آور سود شرکت‌های بزرگ نفتی در جریان جنگ با ایران تحقیق کند.

دموکرات‌های طرفدار اقلیم اکنون چندین مسیر برای پیشبرد برنامه خود دارند. ترامپ برای تصویب بودجه‌ها باید با دموکرات‌ها به توافق برسد و این موضوع به آن‌ها امکان می‌دهد مفاد اقلیمی را در بودجه بگنجانند. کنترل سنا نیز به دموکرات‌ها اجازه می‌دهد از انتصاب قضات فدرال، اعضای کابینه و مقام‌های رده‌پایین‌ترِ مخالف اقلیم جلوگیری کنند.

نتایج انتخابات ممکن است مذاکرات درباره لایحه بحث‌برانگیز اصلاح مقررات صدور مجوز را نیز تغییر دهد؛ لایحه‌ای که راه را برای پروژه‌های انرژی پاک و سوخت‌های فسیلی هموار می‌کند. با این حال، مک‌کیبن یادآوری کرد که نمایندگان تازه‌منتخب تا ژانویه کرسی‌های خود را تحویل نمی‌گیرند و بنابراین ممکن است این لایحه در رأی‌گیری ۹ نوامبر سنا به تصویب برسد.

مک‌کیبن از دموکرات‌ها خواست از اهرم بودجه برای بازگرداندن بودجه سازمان ملی اقیانوسی و جوی آمریکا (NOAA) و دیگر نهادهایی استفاده کنند که با کاهش شدید بودجه علوم اقلیمی روبه‌رو شده‌اند. او همچنین گفت شرکت‌های بزرگ نفتی برای تصویب قانونی تلاش می‌کنند که آن‌ها را از مسئولیت خسارت‌های اقلیمی مصون کند و دموکرات‌ها باید «سر و صدا به پا کنند و هر کاری از دستشان برمی‌آید برای متوقف کردن آن انجام دهند».

فعالان اقلیمی به مجلس نمایندگان راه یافتند

تعدادی از فعالان اقلیمی سه‌شنبه‌شب به کرسی‌های مجلس نمایندگان دست یافتند. در رقابتی نزدیک در حوزه ششم انتخابیه آریزونا، جوآنا مندوزا، نامزد دموکرات، پیروزی خود را در برابر خوان سیسکومانی، نماینده جمهوری‌خواه، اعلام کرد. سیسکومانی به پایان دادن به اعتبارهای مالیاتی انرژی پاک دوران بایدن رأی داده بود؛ در حالی که مندوزا در کارزار انتخاباتی خود بر سرمایه‌گذاری در انرژی پاک برای کاهش هزینه مصرف‌کنندگان برق تأکید می‌کرد. او همچنین از امنیت آبی، از جمله حفاظت از آب‌های زیرزمینی و پاک‌سازی مواد شیمیایی PFAS یا «مواد شیمیایی همیشگی» در آب آشامیدنی، حمایت کرده بود.

در رقابتی نزدیک دیگر در دره مرکزی کالیفرنیا، رندی ویگاس، استاد دانشگاه ۳۱ ساله، پیروزی خود را در حوزه بیست‌ودوم انتخابیه کالیفرنیا در برابر دیوید والادائو، نماینده جمهوری‌خواه، اعلام کرد. ویگاس از رویکرد «همه گزینه‌ها روی میز» در حوزه انرژی حمایت می‌کرد؛ رویکردی که هم از مشاغل نفت و گاز پشتیبانی می‌کند و هم خواستار ایجاد مشاغل بیشتر در حوزه انرژی خورشیدی، زمین‌گرمایی و ذخیره‌سازی باتری است. ویگاس که فرزند مهاجران مکزیکی است، از تقویت حمایت‌های مربوط به گرما برای کارگران کشاورزی در شرایط افزایش دمای سالانه حمایت می‌کند. ترامپ پس از ورود به کاخ سفید، حمایت‌های فدرال از کارگران فضای باز در برابر گرما را متوقف کرد.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۱۷۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم/ پروین نصیری لوحه سرا فرزند ناصرقلی بشماره شناسنامه ۵۹۰ صادره از ماسال در شش‌دانگ یک قطعه زمین باغی به مساحت ۵۶۹/۰۸ مترمربع پلاک فرعی ۱۶۳۴ از اصلی بخش ۲۶ گیلان واقع در قریه دوله ملال مفروزی از ۲۳ فرعی خریداری از مالک رسمی حشمت استوار محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱
یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی - شناسه آگهی: ۲۳۱۵۹۶۴م الف:۱۶۰۹

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر
آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه هیئت اختلاف مستقر در ثبت گناوه؛مالکیت به تصرفات مفروزی و مالکانه خانم فوزیه موسائی را نسبت به شش دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۶۵۵/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۹۱۷ واقع در امامزاده گناوه بخش ۶ بوشهر که جهت آن پلاک ۱۱۸۹۷ /۹۱۷ منظور گردیده برابر رای شماره ۴۳۹۶ ۱۴۰۵۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰ مورخ ۱۴۰۵/ ۵ / ۲۱ تایید نموده و آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه ی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی و قانون ثبت نیز منتشر گردیده لذا آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد مادتین ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت و تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان فاقد سند رسمی جهت قسمت مورد تصرف خانم فوزیه موسائی منتشر و به اطلاع متصرف نامبرده و مجاورین و صاحبان حقوق ارتفاقی می رساند که عملیات تحدیدی در صبح مورخ ۱۴۰۵/۹/۷ در محل شروع به عمل خواهد آمد.لذا بدینوسیله از متصرف نامبرده و مجاورین دعوت می شود در وقت تعیین شده فوق در محل وقوع ملک حضور یابند واخواهی نسبت به حدود ارتفاعی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت جلسه تحدید حدود به مدت ۳۰ روز پذیرفته می شود.معترضین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی مکلفن مطابق تبصره ماده ی ۸۶ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده معترضین ثبتی مصوب ۷۳/۰۳/۲۵ ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض کتبی به اداره ثبت دادخواست به مراجع قضائی محل وقوع ملک تسلیم و تصدیق گواهی به جریان دعوی را به جهت ضبط در پرونده از دادگاه مربوط به اخذ و به ثبت تسلیم نمایند و الا حق آنان ساقط می شود./.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶
محمد چهابدار
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه
از طرف، عبدالحسین بکتاش
اقدام کننده: یونس یونسی پور
شناسه آگهی:۲۳۱۷۰۱۳

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۹۲۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم سید مظفر جلالیان و شمه سرا فرزند سید سراج بشماره شناسنامه ۱۱۲۲ صادره از ماسال در شش‌دانگ یک قطعه زمین باغی به مساحت ۳۳۸ مترمربع پلاک فرعی ۱۵۱۹ از اصلی ۱۰ بخش ۲۶ گیلان واقع در قریه و شمه سرا مفروزی از ۹ فرعی خریداری از مالک رسمی نجف حقیقت‌طلب مهدیخان محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱
یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی
شناسه آگهی: ۲۳۱۶۲۸۳م الف:۱۶۰۷

نگاهی به سه تجربه میدانی از احیای «تالاب کمجان»، توسعه محلی در «بلوچستان» و مشارکت اجتماعی در «محله سیروس» تهران

حکایت «ما» شدن در بحران

سعید مدنی: بی‌اعتمادی اجتماعی مانع جدی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و شکل‌گیری مشارکت جمعی است

سیروس زارع: وقتی مردم بازگشت آب و پرندگان به تالاب را دیدند انگیزه بیشتری برای مشارکت در احیا پیدا کردند



احیای تالاب کمجان در فارس، تجربه توسعه محلی در بلوچستان و شکل‌گیری مشارکت اجتماعی در محله سیروس تهران، سه تجربه‌ای بودند که در نشستی در «مؤسسه رحمان» بررسی شدند. سخنرانان این نشست با تشریح تجربه‌های میدانی خود، از نقش اعتمادسازی، شناخت ظرفیت‌های جامعه محلی و مشارکت واقعی مردم در حفاظت از محیط‌زیست، بهبود معیشت و حل مسائل محله‌ها گفتند.



آمنه سپهرا
خبرنگارا

عصر پنج‌شنبه (۱۴ آبان)، مؤسسه رحمان در ادامه سلسله‌نشست‌های «عبور از تنگنا؛ با توان‌افزایی جامعه»، نشست «ما» شدن در بحران را با موضوع روایت اعتمادسازی و مشارکت محلی برگزار کرد. این نشست به دبیری سعید مدنی در محل مؤسسه رحمان و هم‌زمان به‌صورت مجازی برگزار شد. سیروس زارع، «کلثوم بَزی» و «حامد معنوی‌پور» تجربه‌های میدانی خود را روایت کردند و «حسین ایمانی جاجرمی» در ادامه به تحلیل این تجربه‌ها پرداخت.

توسعه محلی با نسخه‌های از پیش نوشته‌شده محقق نمی‌شود

در ابتدای این نشست، سعید مدنی قهفرخی، جامعه‌شناس، پژوهشگر ارشد علوم اجتماعی و استاد دانشگاه، با تفکیک دو رویکرد متخصص‌محور و جامعه‌محور توضیح داد که تفاوت این دو به نوع نگاه به مردم، جایگاه دانش محلی و چگونگی توزیع قدرت در فرایند توسعه بازمی‌گردد.

به گفته او، در رویکرد نخست، متخصصی وارد منطقه می‌شود که تصور می‌کند دانش و تجربه لازم برای تشخیص مسائل و ارائه راه‌حل را در اختیار دارد. در این الگو، تصمیم‌گیران در فاصله‌ای دور از محل اجرای پروژه درباره مسائل محله‌ها تصمیم می‌گیرند. تصمیم‌آن‌ها بر مبنای تحلیل‌های کارشناسی شکل می‌گیرد، اما لزوماً با واقعیت‌های زیسته مردم انطباق ندارد. چنین متخصصی معمولاً پشتوانه‌ای از منابع مالی و قدرت سازمانی نیز دارد و همین، رابطه او با جامعه محلی را نامتقارن می‌کند.

اما در رویکرد دوم، یعنی توسعه جامعه‌محور یا محله‌محور، متخصص با پذیرش محدودیت دانش خود وارد منطقه می‌شود. او برای شناخت مسائل، نیازها و اولویت‌های محلی به سراغ ساکنان می‌رود و ارزیابی‌ها و ایده‌های آنان را مبنای کار قرار می‌دهد. در این نگاه، مردم در تعریف مسئله، تعیین اولویت‌ها و یافتن راه‌حل‌ها نقش دارند.

مدنی اعتماد را بستر اساسی مشارکت جمعی دانست، سرمایه‌ای که در جریان تعامل میان افراد، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد شکل می‌گیرد و به اعتماد افقی در جامعه می‌انجامد. او با اشاره به یک پیمایش گفت: «نزدیک به ۷۰ درصد پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند به کسانی که نمی‌شناسند اعتماد ندارند. وضعیتی که مانع جدی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌ویژه تشکل‌هایی است که بر مشارکت و فعالیت جمع‌محور تکیه دارند. در نبود اعتماد، پروژه‌های اجتماعی نمی‌توانند به نتایج مورد انتظار برسند و حتی ممکن است با شکست مواجه شوند.»

مدنی با تأکید بر زمان‌بر بودن اعتمادسازی گفت: «اعتماد دیر به دست می‌آید و زود از دست می‌رود. این قاعده هم در سطح کلان و روابط دولت و جامعه و هم در سطح خرد و روابط میان افراد صدق می‌کند. ازاین‌رو، در طراحی دستورالعمل‌ها و پروتکل‌های فعالیت‌های اجتماعی و مداخلات محلی باید از ابتدا بر رفتار مبتنی بر شناخت جامعه و پرهیز از ایجاد بی‌اعتمادی تأکید شود، زیرا اگر بی‌اعتمادی یا سوءتفاهم در آغاز رابطه شکل بگیرد، برطرف کردن آن بسیار دشوار خواهد بود.»

او اضافه کرد: «هر اندازه سرمایه اجتماعی و اعتماد کاهش پیدا کند، اتکا به قدرت و ثروت بیشتر می‌شود، اما بهترین وضعیت زمانی شکل می‌گیرد که این دو در کنار یکدیگر قرار بگیرند. توسعه محلی نه صرفاً با تزریق منابع و تصمیم‌گیری از بالا محقق می‌شود و نه می‌توان همه بار آن را بر دوش اعتماد و مشارکت مردم گذاشت. آنچه به دستاوردهای مؤثرتر و ماندگارتر منجر می‌شود، ترکیبی از منابع و ظرفیت‌های نهادی با اعتماد، مشارکت و دانش جامعه محلی است.»

کمجان؛ وقتی مردم تالاب را دوباره زنده کردند

در نخستین روایت نشست، سیروس زارع، دبیر «تشکل احیاکنندگان تالاب بین‌المللی کمجان»، روایت خود را از روستای کمجان در بخش کربال استان فارس و همراهی با روستاهای شمالی تالاب در محدوده ارسنجان آغاز کرد. خشکی تالاب در این منطقه معیشت، اشتغال و زندگی اجتماعی مردم را نیز تحت تأثیر قرار داده بود. ترکیبی از فقر، بیکاری، مهاجرت و از دست رفتن فرصت‌های شغلی، او را به فکر فعالیت اجتماعی در منطقه انداخت.

زارع که خود اهل کمجان است، در آنجا سکونت داشته و سال‌ها کارخانه فرآوری برنج داشته است، جامعه محلی را از نزدیک می‌شناسد. به باور او، برای ورود به یک فعالیت اجتماع‌محور، طرح یک ایده به‌تنهایی کافی نیست. مهم‌تر از آن، چگونگی اجرای ایده است. آنچه در کمجان دنبال می‌شد، تحمیل یک تغییر تازه نبود، بلکه نوعی بازگشت به داشته‌های فراموش‌شده مردم بود.

او گفت: «شکل‌گیری مشارکت متأثر از دو عامل اصلی است؛ درد مشترک اجتماعی و آگاهی اجتماعی. در کمجان، خشکی تالاب و بیکاری به درد مشترک مردم تبدیل شده بود و شناخت علل خشک شدن منطقه نیز به آگاهی آنان کمک می‌کرد.»

به باور زارع، صرف صحبت کردن درباره اهمیت محیط‌زیست برای جلب اعتماد کافی نیست. باید مردم را در عمل همراه کرد و به آنان نشان داد که می‌توانند در حفاظت از محیط‌زیست نقش داشته‌باشند.

به همین دلیل، برنامه‌ها، همایش‌ها و جشن‌هایی در روستا برگزار شد و مدیران شهرستان و استان، فرماندار، مدیران دستگاه‌های اجرایی، رسانه‌ها و دیگر افراد اثرگذار به این برنامه‌ها دعوت شدند تا مردم روستا احساس کنند فعالیتی که انجام می‌دهند، دیده می‌شود و از حمایت برخوردار است. حضور مسئولان و رسانه‌ها در کنار مردم می‌توانست اعتماد به‌نفس جامعه محلی را افزایش دهد و این باور را تقویت کند که خودشان توانایی انجام کارهای مؤثر را دارند. در این برنامه‌ها تلاش شد از ظرفیت همه گروه‌های اجتماعی، از امام جمعه و مدیران گرفته تا دانشجویان، کودکان و خانواده‌های روستایی، استفاده شود. یکی از اهداف اصلی نیز بردن مردم به محل تالاب و گفت‌وگو درباره اهمیت آن بود، چراکه بسیاری از اهالی حتی نمی‌دانستند این تالاب چه پیشینه و اهمیتی دارد.

زارع گفت: «جامعه محلی بیشتر از طریق مشاهده نتیجه اقدامات به همکاری ترغیب می‌شود. در سال ۱۳۸۸، با ایجاد نخستین آب‌بند و مشاهده حضور پرندگان و شکل‌گیری سطح اولیه آبگیری، اشتیاق مردم برای همراهی بیشتر شد.»

به روایت زارع، نتیجه این همراهی احیای تالاب و بازگشت بخشی از زندگی اقتصادی و اجتماعی به روستا بود. او گفت: «دامداری‌های سنتی رونق گرفت، مهاجرت کاهش یافت و گردشگران طبیعت‌دوست برای بازدید از تالاب به منطقه آمدند.»

مهم‌ترین درس او از این تجربه، تکیه بر توان جامعه محلی بود: «به خودمان تکیه کنیم و چشم‌به‌راه هیچ مسئولی نباشیم.»

بلوچستان؛ توسعه از دل جامعه محلی

دیگر روایتگر این نشست، کلثوم بَزی، فعال اجتماعی و تسهیلگر محلی در سیستان و بلوچستان و مدیرعامل پیشین «مؤسسه توسعه پایدار اردیبهشت» بود. او تجربه خود را از فعالیت‌های توسعه‌محور در دهستان توتان روایت کرد. این تجربه بر آموزش، توانمندسازی و مشارکت مردم در شناسایی و حل مسائل منطقه استوار بود.

به گفته بَزی، مؤسسه توسعه پایدار اردیبهشت یک سازمان مردم‌نهاد محلی در زاهدان است که در سال ۱۳۹۵ ثبت شد و بخش عمده فعالیت‌های آن در دهستان توتان از توابع نیک‌شهر بلوچستان متمرکز بوده است. آموزش کودکان و نوجوانان از طریق قصه‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی و نجوم، حمایت از آموزش دختران و پیگیری نیازهای آموزشی آنان، از جمله تلاش برای ساخت مدرسه، بخشی از فعالیت‌های مؤسسه بوده است. این مجموعه همچنین پس از سیل دی‌ماه ۱۳۹۸ در روستاهای آسیب‌دیده جنوب بلوچستان در حوزه امدادرسانی فعالیت کرد.

از جمله تجربه‌های قابل‌توجه این مؤسسه، اجرای طرحی برای توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها در روستای توتان بود. طرح با مشارکت مردم در خرید دام (بز و بزغاله) و سپردن آن به خانواده‌های روستایی آغاز شد تا فرصتی برای فعالیت اقتصادی و تقویت معیشت فراهم شود.

بَزی دراین‌باره گفت: «انتخاب خانواده‌ها با نظر و مشارکت خود اهالی و براساس معیارهایی انجام شد که در تعیین آن‌ها نقش داشتند. در ابتدا دو الی سه رأس بز و بزغاله خریداری شد و در اختیار خانواده‌ها قرار گرفت تا فعالیت خود را آغاز و به‌تدریج توسعه دهند. در جریان سرشماری و جمع‌آوری اطلاعات از روستا، تیم به‌تدریج اعتماد مردم را جلب کرد.»

به گفته بَزی، در روزهای نخست حتی میان تیم و مولوی روستا شناخت و هماهنگی کاملی وجود نداشت، اما به‌مرور مشخص شد همه یک هدف مشترک دارند و آن هم این است که صدای جامعه محلی را منتقل کنند و پیگیر مشکلات مردم باشند. او گفت: «تیم تلاش کرد بدون پیش‌داوری با خانواده‌ها ارتباط برقرار کند. تصور اولیه این بود که افرادی با اعتیاد، بحران مالی یا مشکلات خانوادگی ممکن است تمایلی به مشارکت نداشته باشند، اما در پایان کار دیدند هم خانواده‌های مرفه و هم خانواده‌های درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در فرایند مشارکت کرده‌اند. بسیاری از مردم خودشان برای مشارکت پیش‌قدم می‌شدند و می‌گفتند ما هم می‌توانیم در این کار خیر سهیم باشیم و به دیگران کمک کنیم. آن‌ها نشان دادند که برای انجام فعالیت‌های خیرخواهانه و اجتماعی، لزوماً نیازی به تحصیلات دانشگاهی یا تخصص ویژه نیست، بلکه انگیزه، احساس مسئولیت و تمایل به مشارکت می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات مؤثر باشد.»

در ادامه، برخی خانواده‌ها توانستند فعالیت اقتصادی خود را توسعه دهند و تعداد دام‌های بعضی از آن‌ها به حدود سه برابر مرحله نخست رسید، هرچند همه خانواده‌ها نتایج یکسانی نگرفتند.

اما برای او، اتفاقی که ارزش و معنای بیشتری داشت، به سال بعد بازمی‌گشت، زمانی که سیلی در منطقه کنارک رخ داد. او گفت: «مردم روستای توتان با دیدن تصاویر سیل‌زدگان، خودشان تصمیم گرفتند برای کمک اقدام کنند. یک وانت از کمک‌ها و زیراندازهای حصیری تهیه کردند و گفتند می‌خواهند این کمک‌ها را به آسیب‌دیدگان برسانند. مردمی که روزی خود در موقعیت دریافت کمک بودند، حالا می‌خواستند به دیگران کمک کنند و احساس می‌کردند می‌توانند در حل مشکلات دیگران نقش داشته باشند.»

برای تیم تسهیلگری بَزی، مهم‌ترین دستاورد این تجربه صرفاً افزایش دارایی یا بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها نبود، بلکه تقویت حس کرامت انسانی، افزایش اعتمادبه‌نفس و شکل‌گیری حس مسئولیت اجتماعی در میان مردم بود.

نکته محوری روایت‌های این تسهیلگر بلوچ، تفاوت میان اجرای یک پروژه و تحقق توسعه بود. به باور او، ساخت مدرسه یا اختصاص منابع مالی برای اجرای یک طرح، به‌خودی‌خود به معنای توسعه نیست. اگر نیازهای واقعی مردم پیش از اجرای پروژه شناسایی نشود و جامعه محلی در تصمیم‌گیری سهمی نداشته باشد، ممکن است نتیجه فعالیت‌ها کوتاه‌مدت باقی بماند. از نگاه او، توسعه محلی زمانی اتفاق می‌افتد که مردم صرفاً دریافت‌کننده خدمات نباشند، بلکه در تعیین اولویت‌ها و شکل دادن به آینده محل زندگی خود نقش داشته باشند. اعتماد نیز زمانی شکل می‌گیرد که مردم در تصمیم‌گیری‌ها سهم داشته باشند، توانایی‌هایشان دیده شود، به انتخاب و هویت آن‌ها احترام گذاشته شود و احساس کنند در فرایند تغییر نقش واقعی دارند.

تهران؛ شکل‌گیری «ما» در محله سیروس

در این میان، حامد معنوی‌پور هم تجربه خود را از محله سیروس در منطقه ۱۲ تهران روایت کرد. این تجربه هفت تا هشت‌ساله، به گفته او، از یک پروژه عمرانی آغاز شد، اما به‌تدریج به بخشی از هویت و زندگی محله تبدیل شد. سیروس محله‌ای قدیمی و تاریخی است که با وجود برخورداری از ظرفیت‌های اجتماعی، با مشکلاتی مانند فرسودگی، کاهش فعالیت‌های اقتصادی، محدودیت فرصت‌های شغلی زنان، مسائل آموزشی کودکان و کاهش سرمایه اجتماعی روبه‌روست.

او گفت که در سال ۱۳۹۸ از مسیر فعالیت‌های عمرانی وارد محله شد و تصور اولیه‌اش این بود که می‌توان از طریق پروژه‌های ساختمانی فعالیت کرد. اما خیلی زود دریافت مسئله محله تنها کمبود سرمایه یا فرسودگی ساختمان‌ها نیست. خانه‌ها، حیاط‌ها، فضاهای کوچک، زنان، کودکان، کسبه و روابط میان مردم، ظرفیت‌هایی بودند که کمتر دیده می‌شدند.

به گفته معنوی‌پور، اعتماد اولین گام برای شکل‌گیری مشارکت بود و این اعتماد نه با برگزاری جلسه‌های رسمی و ارائه طرح و برنامه، که از طریق حضور مستمر در محله شکل گرفت، با کنار مردم نشستن، گفت‌وگو کردن و شنیدن حرف‌هایشان.

او ادامه داد که محله سیروس بافتی مذهبی دارد و بخش زیادی از ارتباطات و گفت‌وگوهای مردم در خانه‌ها، مسجد و فضاهای جمعی شکل می‌گیرد. وقتی در این فضاها کنار مردم می‌نشست، کم‌کم روایت‌های شخصی، دغدغه‌ها و مسائل واقعی محله را می‌شنید.

این گفت‌وگوها باعث شناخت او از محله شد و مردم هم فرصت پیدا کردند او را بشناسند. او فردی غریبه بود که وارد محله شده بود و طبیعی بود که مردم در ابتدا درباره حضورش سؤال و تردید داشته باشند. به‌ویژه اینکه افراد و نهادهای مختلفی پیش از این وارد محله شده و مداخلاتی انجام داده بودند، اما بسیاری از آن مداخلات به نتیجه مطلوب مردم نرسیده بود.

بنابراین، شکل‌گیری اعتماد به زمان نیاز داشت. مردم باید می‌دیدند کسی که وارد محله شده، قرار نیست صرفاً طرحی را اجرا کند و برود، بلکه قرار است بماند، بشنود و در کنار آن‌ها باشد.

بعد از مدتی، براساس همین شناخت، ایده «بام سبز» مطرح شد که قرار بود با مشارکت خود مردم و برای محله شکل بگیرد. معنوی‌پور گفت: «البته در ابتدا مشارکت چندانی وجود نداشت و مردم به‌راحتی اعتماد نمی‌کردند. فعالیت با توزیع گلدان‌های آلوئه‌ورا در خانه‌ها آغاز شد و به‌تدریج تعدادی از خانواده‌ها را در نگهداری گلدان‌ها همراه کرد. کم‌کم مردم در نگهداری و مراقبت از بخش‌هایی از فضا مشارکت کردند. بعد از آن، حتی افرادی که در محله نقش مدیریتی و اثرگذاری داشتند نیز وارد گفت‌وگو شدند و پیشنهاد دادند افراد بیشتری را درگیر کنند.»

از جایی به بعد، دیگر تنها مجریان نبودند که درباره بام سبز و مشارکت مردم صحبت می‌کردند. خود اهالی دیگران را دعوت می‌کردند، موضوع را پیش می‌بردند و برای ادامه کار انگیزه ایجاد می‌کردند. به گفته معنوی‌پور، این همان نقطه‌ای بود که «ما شدن» اتفاق افتاد.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

ایمانی جاجرمی: اعتماد نه یک ابزار جانبی، که زیرساخت رابطه‌ای توسعه جماعتی است و شکل‌گیری آن به زمان، حضور مستمر صداقت، شفافیت و امکان مشارکت واقعی مردم نیاز دارد

زارع: به خودمان تکیه کنیم و چشم‌به‌راه هیچ مسئولی نباشیم مردم با دیدن نتیجه اقدامات اعتماد می‌کنند، نه صرفاً با شنیدن وعده‌ها

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۶۸۰۱۱۶۳۳ هیات اول پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۱۱۱۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهمن مافی به شناسنامه شماره ۳۶۳ کدملی ۴۳۲۱۳۴۱۹۷۳ صادره از قزوین فرزند صدر الله در ششدانگ یکباب چهاردیواری و اتاقک احداثی داخل آن به مساحت ۱۳۰ مترمربع پلاک شماره ۳۸ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری معالواسطه از عباد اله مافی تأئید و محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۲
صمد قدیم آبادی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۳۱۹۶۰۶ م الف:۱

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۶۸۰۱۱۲۱۷۱ هیات اول پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۱۵۶۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مولود شریفی به شناسنامه شماره ۷۳۲ کدملی ۴۳۲۳۳۴۱۲۶۱ صادره از قزوین فرزند محمدحسین در ششدانگ یکباب چهاردیواری بنای کوچک داخل آن به مساحت ۱۲۷/۲۳ مترمربع پلاک شماره ۳۸ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین انتقالی برابر سند رسمی مشاعی - سند صلح اموال غیرمنقول به شماره ۱۵۱۷۳۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵ دفترخانه اسناد رسمی ۷ قزوین از نازی مافی تأئید و محرز گردیده است

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم، اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۲
صمد قدیم آبادی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۳۱۹۶۰۶ م الف:۲

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرند

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان زرند تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات ایشان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- علیرضا تهامی پورزرندی فرزند احمد شششدانگ کارگاه به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع از ۲۲۸۶ اصلی در اراضی ده شیخ زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی علی ابولی ده شیخی

۲- علیرضا قائم‌پناه تاج‌آبادی فرزند عباس ششدانگ مغازه به مساحت ۳۵/۶۴ مترمربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در اراضی کهنوج زرند بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی جواد ذکایی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۹/۰۱
اداره ثبت و اسناد و املاک شهرستان زرند
شناسه آگهی: ۲۳۱۹۹۱۹

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۹۱۹۰۱۲۰۰۹۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم حسن وفائی کلاشمی فرزند اسمعیل بشماره شناسنامه ۳۸۶ صادره از صومعه‌سرا در ششدانگ یکقطعه زمین مشتمل بر یکباب انباری به مساحت ۶۰۰/۳۹ مترمربع پلاک ۱۲۵۸ فرعی از ۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۳۵ فرعی از ۵۲ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه چوبر شفت خریداری از مالک رسمی آقای فتحعلی خیرخواه (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱
نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۳۱۸۲۷۹ م الف: ۱۱۳۷

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۱۲۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رضا معماری فرزند علی‌اصغر به شماره شناسنامه ۸۵۱ صادره از بردسکن در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۵/۶۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲۰۵ اصلی واقع در اراضی بهارستان دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی آقای علیرضا ابراهیمی صنوبری محرز گردیده است

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۰۲
سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۳۱۸۹۷۷م الف: ۴۰۵۸۴۰

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۳۱۰۵۷۰۰۳۰۷۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرج - ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم علی خواجوند فرزند عزت اله بشماره شناسنامه ۷ صادره از کرسف در یک قطعه زمین محصور با بنای احداثی در دو طبقه و زیرزمین به مساحت ۱۴۸/۴۲ مترمربع از پلاک ۱۲۷۲ فرعی از ۳۶۱ اصلی واقع در محمدشهر بل دهقان ک فجر ۴ پ۸ خریداری از مالک آقای/ خانم علی اوسط خدابنده لو محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶
عباس صبوری - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۳۰۶۲۸۵

شهرداری رفسنجان

(آگهی تجدید مناقصه عمومی)

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۳۸۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به چاپ بنر جهت مراسمات ملی مذهبی و پروژه‌های عمرانی سطح شهر ازطریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۷
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰
(لازم به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات مختار است.)
مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات
تلفن تماس ۳۴۲۵۸۸۰۱ - ۰۳۴

اداره ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری رفسنجان

آگهی مفقودی

کارت و برگ سبز خودرو، خودرو سواری: سواری کار، سیستم: مانیایی، تیپ: S15(M-TERRA) به رنگ: مشکی متالیک، مدل: ۱۴۰۵ به شماره موتور: 4K31TDACL5612 و شماره شاسی: N10C4SPTATM002396 به شماره پلاک: ۶۹۴ ن ۳۲ ایران: ۶۳ به نام: غلامرضا کدخدائی الیادرانی مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهربابک

خبر

«فخری دانش‌پورپرور» راه کاوش را برای دختران ایران باز کرد

در مراسم بزرگداشت فخری دانش‌پورپرور، باستان‌شناس و چهره ماندگار میراث فرهنگی، شاگردان و همکاران او از زنی گفتند که با پشتکار و ایستادگی در برابر محدودیت‌ها، راه حضور دختران در کاوش‌های باستان‌شناسی را هموار کرد و با شیوه‌ای مادرانه در آموزش، حمایت از دانشجویان و ایجاد همدلی میان آن‌ها، اثری ماندگار بر نسل‌های مختلف باستان‌شناسان گذاشت.

فخری دانش‌پورپرور، زاده سال ۱۳۱۵ در تهران، از نخستین بانوان باستان‌شناس ایرانی است. او در سال ۱۳۴۵ برای تحصیل در رشته باستان‌شناسی وارد «دانشگاه تهران» شد و دوره کارشناسی ارشد خود را با رتبه نخست به پایان رساند. دانش‌پورپرور در محوطه‌های باستانی بسیاری، از جمله «هفت‌تپه» خوزستان، در کنار «عزت‌الله نگهبان» به کاوش باستان‌شناختی پرداخت. او به تشویق «سیمین دانشور» و عزت‌الله نگهبان به چین و سپس هند رفت و تحصیلات خود را در زمینه باستان‌شناسی پی گرفت. اینک «انجمن زنان پژوهشگران تاریخ» بزرگداشتی برای این بانوی باستان‌شناس ایرانی برگزار کرده است.

او راه دختران را در کاوش‌های باستان‌شناسی باز کرد

«سیدمهدی موسوی کوهپر»، باستان‌شناس و استاد دانشگاه، در این مراسم که در «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» برگزار شد، با اشاره به جایگاه علمی و شخصیتی فخری دانش‌پورپرور، او را بانویی فرهیخته توصیف کرد که موانع را از سر راه خود برداشت و برای کسب علم و دانش از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. به گفته او، دانش‌پورپرور نه‌تنها موانع پیش روی خود را برداشت، بلکه بسیاری از محدودیت‌ها را نیز از سر راه دختران علاقه‌مند به باستان‌شناسی برداشت.

او با اشاره به حضور دانش‌پورپرور در نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی گفت: «شاید همه بدانند یا برخی ندانند که خانم دکتر دانش‌پورپرور نخستین دختری بود که به کاوش باستان‌شناسی رفتند. ایشان با پیگیری و ابتکار خود، استادشان، مرحوم عزت‌الله نگهبان، را در برابر عمل انجام‌شده قرار دادند و حتی زمینه بازنگری در قانون منع اعزام دختران به کاوش را فراهم کردند. پس از آن بود که این مانع برداشته شد و دختران هم‌دوره ایشان نیز توانستند از این فرصت استفاده کنند.»

موسوی کوهپر سپس ابیاتی از «عطار» با این مطلع خواند: «ای در درون جانم و جان از تو بی‌خبر / وز تو جهان پر است و جهان از تو بی‌خبر». او در ادامه، با قدردانی از برگزارکنندگان این نشست صمیمی و اندیشمندانه برای بزرگداشت فخری دانش‌پورپرور، گفت: «نام برخی افراد واقعاً بامسماست. خانم دکتر فخری دانش‌پورپرور از جمله همین افراد هستند. من و بسیاری از حاضران در این مجلس افتخار شاگردی ایشان را داشته‌ایم و همیشه خدا را شاکرم که این توفیق نصیبم شد تا بتوانم خوشه‌چین خرمن علم، دانش و هنر این بانوی بزرگ ایران‌زمین باشم.»

او با بیان اینکه سخن گفتن درباره شخصیتی چون دانش‌پورپرور دشوار است، افزود: «در وصف چنین شیرزن و بانوی فرهیخته‌ای سخن گفتن آسان نیست. درباره ایشان بسیار گفته شده است. من می‌خواهم چند تجربه زیسته خودم را از ارتباط با خانم دکتر بیان کنم، تجربه‌هایی که همواره برایم درس‌آموز بوده‌اند.»

موسوی کوهپر با یادآوری روزهای ورودش به دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۳، نخستین دیدارش با دانش‌پورپرور را روایت کرد و گفت: «دوستانم در مهرماه برای ثبت‌نام به دانشگاه آمده بودند، اما من در مرحله گزینش پذیرفته نشده بودم. به من می‌گفتند اگر وارد دانشگاه شوم، منحرف خواهم شد. بعداً موضوع را پیگیری کردیم و تأیید شدم. به همین دلیل، در بهمن‌ماه ۱۳۶۳ برای ثبت‌نام به دانشگاه آمدم.»

او ادامه داد: «از شهرستان به تهران آمده بودم و نخستین تجربه حضورم در دانشگاه بود. کسی را در گروه نمی‌شناختم و تنها دانشجویی بودم که برای ثبت‌نام مراجعه کرده بودم. پس از انجام مراحل اداری، به من گفتند به طبقه سوم و نزد مدیر گروه، خانم دکتر دانش‌پورپرور، بروم. نخستین بار که چشمم به ایشان افتاد، مقنعه‌ای مشکی و مانتویی سرمه‌ای بر تن داشتند. باور کنید احساس کردم با موجودی روبه‌رو شده‌ام که انگار از آسمان به زمین آمده است. گویی فرشته‌ای در برابر من ایستاده بود. تمام نگرانی‌ها، استرس‌ها و دغدغه‌هایی که با خود به دانشگاه آورده بودم، با دیدن ایشان از بین رفت.»

این استاد دانشگاه با اشاره به تأثیر رفتار دانش‌پورپرور بر دانشجویان گفت: «همان زمان هم به ایشان گفتم که واقعاً جادوگری می‌کردید. یکی از ویژگی‌های مهم خانم دکتر این بود که به‌گونه‌ای با دانشجویان ارتباط برقرار می‌کردند که از همان نخستین دیدار، احساس می‌کردید سال‌هاست ایشان را می‌شناسید. رفتار مادرانه و صمیمیتشان باعث می‌شد دانشجویان به‌سرعت به ایشان دل ببندند.»

آگهی مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز). سند کمپانی. خودرو پژو ۴۰۵ به رنگ نقره ای متالیک و مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۴۳-۴۹۴ ن ۵۳ به شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۳۲۴۷۹ و شماره شاسی ۱۴۲۱۵۶۸۴ به مالکیت فتحعلی عمو شاهی خوزانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصفهان



پیام ما

باستان‌شناسان در گفت‌وگو با «پیام ما» از توقف کاوش‌های جیرفت و کمبود حمایت از پژوهش‌های میدانی می‌گویند

گذشته زیر خاک می‌ماند

باستان‌شناسان طی نیم‌قرن اخیر آن‌چنان که باید مورد حمایت قرار نگرفته‌اند، حتی در سال‌های اخیر، بسیاری از کاوش‌ها نیمه‌کاره مانده‌اند یا امکان آغاز کاوش‌های تازه وجود نداشته است. برخی از کارشناسان معتقدند که مسئله مخالفت نهاد یا ارگانی با کاوش‌ها نیست و صرفاً حمایت مالی و تخصصی لازم از آن‌ها صورت نمی‌گیرد. به گفته آنان، وزارت میراث فرهنگی چشم خود را بر کاوش‌ها و کمبود امکانات و منابع مالی می‌بندد. این در حالی است که «علی دارابی»، معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، پیش‌تر در پاسخ به خبرنگار «پیام ما» درباره شرایط باستان‌شناسان گفته بود که برای باستان‌شناسان مراسم بزرگداشت و تجلیل برگزار و از آن‌ها در کار مرمت استفاده می‌شود.



صبا رضایی | روزنامه‌نگار

در ماجرای کاوش‌های «یوسف مجیدزاده» در جیرفت نیز از مخالفت یک نماینده مجلس و فروش اشیای عتیقه به قاچاقچیان از سوی مردم منطقه سخن به میان آمده است. این کاوش‌ها متوقف شدند و شاگردان مجیدزاده نیز به تدریس و پژوهش‌های کتابخانه‌ای اکتفا کردند. این وضعیت باستان‌شناسان در کشوری است که بیش از یک میلیون اثر باستانی، صدها شیء عتیقه و ده‌ها شهر با بافت تاریخی دارد.

کنار گذاشته شدن باستان‌شناسان

«مهرداد ملک‌زاده»، باستان‌شناس، با اشاره به کنار گذاشته شدن چهره‌های برجسته علمی، از جمله یوسف مجیدزاده، به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «باستان‌شناسانی مانند دکتر مجیدزاده را کنار می‌گذارند و زمانی که از دنیا می‌روند، تازه همه از بزرگی و جایگاه علمی آن‌ها سخن می‌گویند. ما باید قدر دانشمندان و پژوهشگران بزرگ را در زمان حیاتشان بدانیم و از ظرفیت علمی آن‌ها استفاده کنیم.»

او می‌افزاید: «باید وضعیت زمانه را هم در نظر بگیریم. امروز کشور در شرایط جنگی قرار دارد و در دوره‌های مختلف، اولویت‌های دیگری بر جامعه حاکم بوده است. پیش از جنگ، کرونا بود. پیش از کرونا، تحریم‌ها. پیش از تحریم‌ها، جنگ هشت‌ساله و پیش از آن، انقلاب. در پنجاه سال گذشته، کمتر دوره‌ای را می‌توان یافت که شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور از آشوب و بحران به دور بوده باشد.»

ملک‌زاده با اشاره به تجربه تاریخی جوامع دیگر تأکید می‌کند: «انسان پژوهشگر باید بداند در هر برهه تاریخی چه کاری از دستش برمی‌آید و چگونه می‌تواند به پیشرفت علم کمک کند. اگر به تاریخ اروپا نگاه کنیم، می‌بینیم که جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۴ آغاز شد و در سال ۱۹۱۸ به پایان رسید. پس از آن نیز اروپا با آشوب‌ها و بحران‌های متعددی روبه‌رو بود و در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد. می‌توان تصور کرد انسانی که در سال ۱۹۰۰ در اروپا به دنیا آمده بود، در نوجوانی جنگ جهانی اول را تجربه می‌کرد و درست زمانی که می‌خواست زندگی خود را بسازد، تشکیل خانواده بدهد و به ثبات برسد، جنگ جهانی دوم آغاز می‌شد. نسل‌های مختلف انسان‌ها در طول تاریخ بارها قربانی شرایط زمانه خود شده‌اند.»

او می‌گوید: «با وجود این، پژوهشگران در همین شرایط دشوار نیز کار خود را ادامه داده‌اند. در حوزه ایران‌شناسی، دانشمندان بزرگی فعالیت کرده‌اند که لزوماً بهترین شرایط برای پژوهش در اختیارشان نبوده است، اما با کوشش و مبارزه علمی، کاروان دانش را پیش برده‌اند. برای نمونه، رومن گریشمن در دوران جنگ جهانی دوم نیز به فعالیت‌های باستان‌شناسی خود ادامه می‌داد و در افغانستان امروزی و مناطق پیرامونی آن کاوش می‌کرد و پژوهش‌هایش را پیش می‌برد.»

این باستان‌شناس ادامه می‌دهد: «هیچ‌گاه همه شرایط برای فعالیت علمی مهیا نیست. پژوهشگر باید نبض زمانه خود را درک کند و وظیفه‌اش را انجام دهد، اما این تمام ماجرا نیست. مدیران اجتماعی و فرهنگی نیز مسئولیت دارند و باید سهم خود را ادا کنند. پژوهشگر و باستان‌شناس قدمی به جلو برمی‌دارد، اما مدیران فرهنگی نیز باید چند قدم به جلو بردارند.»

مهرداد ملک‌زاده باستان‌شناس: مدیران اجتماعی و فرهنگی نیز مسئولیت دارند و باید سهم خود را ادا کنند. پژوهشگر و باستان‌شناس قدمی به جلو برمی‌دارد اما مدیران فرهنگی نیز باید چند قدم به جلو بردارند

ملک‌زاده با اشاره به وضعیت علمی یوسف مجیدزاده می‌گوید: «در سال‌های پرتلاطم پس از انقلاب، باید از دکتر مجیدزاده حمایت می‌شد. دانشمندی که در سطح بین‌المللی جایگاه داشت، در آمریکا تحصیل کرده بود و به گفته دانشجویان و شاگردانش، کلاس‌های درس کم‌نظیری داشت. آثار علمی و پژوهشی او نیز در بالاترین سطوح علمی قرار دارند.»

او تأکید می‌کند: «این پرسش همچنان باقی است که چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی زمینه کنار گذاشته شدن چنین دانشمندی را فراهم کردند؟ این مسائل باید در تاریخ ثبت شود تا روشن باشد که با سرمایه‌های علمی کشور چگونه رفتار شده است.»

ملک‌زاده می‌افزاید: «هرکدام از ما ممکن است به اندازه مجیدزاده رنج نکشیده باشیم، اما در مسیر کار علمی و فرهنگی با دشواری‌های مختلفی روبه‌رو شده‌ایم. با این همه، تلاش کرده‌ایم و جنگیده‌ایم تا کاروان علم حرکت کند. به اعتقاد من، نباید فقط بپرسیم که یک نهاد یا اداره برای ما چه کرده است. باید از خودمان نیز بپرسیم که برای پیشبرد علم و فرهنگ چه کرده‌ایم. در مقابل، نهادهای مسئول هم باید درباره عملکرد خود پاسخ‌گو باشند.»

او با اشاره به مسئولیت اجتماعی پژوهشگران می‌گوید: «ما قرار است افرادی فرهنگ‌دوست باشیم و درک کنیم که انسان ایرانی در دوره‌های تاریخی و پیش از تاریخی چگونه زندگی کرده، چه رابطه‌ای با زیست‌بوم خود داشته و چگونه با مشکلات محیطی مقابله کرده است. انسان در هر دوره‌ای با دشواری‌های خاص زمانه خود روبه‌رو بوده است. زمانی سیل و توفان زندگی مردم را تهدید می‌کرد و امروز نیز جنگ‌های ویرانگر می‌توانند زندگی و آینده جامعه را به خطر بیندازند.»

او می‌افزاید: «پیشینیان ما با مشکلات زمانه خود مبارزه کردند و زمینه تداوم زندگی و فرهنگ را فراهم آوردند. اگر امروز می‌توانیم درباره تاریخ و فرهنگ ایران گفت‌وگو کنیم، بخشی از آن حاصل تلاش نسل‌هایی است که پیش از ما زیسته‌اند. ما نیز باید بکوشیم و بسازیم، زیرا همین سازندگی یکی از رازهای ماندگاری فرهنگ ایرانی است.»

این باستان‌شناس با تأکید بر ضرورت مطالبه‌گری در حوزه فرهنگ می‌گوید: «هرکدام از ما باید مطالبه‌گر باشیم. انسان متفکر نمی‌تواند نسبت به عملکرد نهادهای مسئول بی‌تفاوت بماند. دکتر مجیدزاده نیز علاوه بر فعالیت علمی، کنشگری اجتماعی بود و مطالبات خود را مطرح می‌کرد. رفتار او می‌تواند برای نسل‌های بعدی الگویی باشد، الگویی از دانشمندی که در کنار پژوهش، نسبت به مسائل جامعه خود نیز احساس مسئولیت می‌کرد.»

ایران در شرایط تعلیق قرار دارد

متأسفانه طی نیم‌قرن اخیر آن‌چنان که باید به باستان‌شناسی توجه نشده و این حوزه هرگز جدی گرفته نشده است. این در حالی است که ایران بیش از یک میلیون اثر باستانی و محوطه تاریخی دارد. ده‌ها شهر کشور بافت تاریخی دارند و همواره مقصد باستان‌شناسان بین‌المللی برای تحقیق و بررسی بوده‌اند.

«محمدرضا چیت‌ساز»، باستان‌شناس و استاد باستان‌شناسی، با اشاره به وضعیت مدیریت فرهنگی در ایران به خبرنگار پیام ما می‌گوید: «ایران اکنون در شرایط تعلیق قرار دارد، وضعیتی که به اعتقاد من، پس از انقلاب شدت بیشتری پیدا کرده است. ما نه‌فقط در زندگی فردی، بلکه در ساختارها و تعاریف نیز معلق هستیم. گاهی روی ابرها راه می‌رویم، درحالی که دنیای عینی ما جای دیگری است. باید این واقعیت را بپذیریم.»

او می‌افزاید: «این وضعیت بر برنامه‌ریزی، نظام آموزشی، کلاس‌بندی‌ها، حفاری‌های باستان‌شناسی، وزارت فرهنگ و ارشاد، سینما، صدور یا عدم صدور مجوزها و حتی موضوع پوشش زنان تأثیر می‌گذارد. باستان‌شناسی و کاوش‌های باستان‌شناختی هم از این نارسایی‌ها بی‌نصیب نمانده‌اند. البته در سال‌هایی که من مدیر پژوهش بودم، حدود سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹، کاوش‌های متعددی انجام شد. آن دوره ایران در حال ساخت چندین سد بود و همین موضوع ضرورت انجام حفاری‌های نجات‌بخشی را افزایش داده بود.»

او تأکید می‌کند: «ممکن است عده‌ای بگویند ایران کشوری خشک و نیمه‌خشک است و برای تأمین آب به سدسازی نیاز دارد. بله، ما به مدیریت منابع آب نیاز داریم، اما این به معنای ضرورت سدسازی در همه شرایط نیست. در برخی کشورها رویکردها به سمت آبخیزداری تغییر کرده است. به‌هرحال، در آن سال‌ها سدسازی در ایران بسیار گسترده و چشمگیر بود. وقتی یک سد آبگیری می‌شود، مساحت وسیعی از زمین‌های پشت آن برای همیشه به زیر آب می‌رود. اگر در آن محدوده آثار تاریخی وجود داشته باشد، این آثار نیز برای همیشه مدفون می‌شوند. بنابراین، پیش از آبگیری باید کاوش‌های باستان‌شناختی انجام شود، کاری که به آن حفاری نجات‌بخشی می‌گویند.»

او می‌گوید: «ما در آن دوره درگیر همین مسئله بودیم. توان تیم‌های داخلی محدود بود و برای همین از باستان‌شناسان خارجی دعوت می‌کردیم تا در این پروژه‌ها مشارکت کنند. بخش قابل توجهی از این کاوش‌ها انجام شد، اما در برخی موارد فقط توانستیم آثار را شناسایی و بخشی از آن‌ها را خارج کنیم. حتی قسمت‌هایی از جاده شاهی داریوش برای همیشه زیر آب رفت.»

چیت‌ساز با اشاره به وضعیت کنونی مدیریت میراث فرهنگی می‌افزاید: «امروز با تشتت و آشفتگی بسیار گسترده‌تری مواجه هستیم. نخستین آسیب این وضعیت، حضور افرادی در مدیریت بخش‌های فرهنگی است که تخصص مرتبط ندارند و بیشتر با ملاحظات سیاسی به این جایگاه‌ها رسیده‌اند. ممکن است این افراد بتوانند وزارت فرهنگ و ارشاد یا بخش‌هایی از سینما را اداره کنند، اما اداره میراث فرهنگی به دانش و تخصص مشخصی نیاز دارد. کافی است مدیران میراث فرهنگی در چند سال اخیر را بررسی کنید و ببینید چه اقداماتی انجام داده‌اند و نبود نگاه تخصصی و میراثی چه آسیب‌هایی به این حوزه وارد کرده است.»

او ادامه می‌دهد: «بسیاری از کارهایی که باید در حوزه میراث فرهنگی انجام شود، انجام نمی‌شود و در شرایط فعلی نیز چشم‌انداز روشنی برای انجام آن‌ها وجود ندارد. مسئله این است که نه رئیس‌جمهور فعلی و نه رؤسای جمهور پیشین، درگیری و اولویت لازم را نسبت به این مسائل نداشته‌اند. ریشه اصلی مشکل به همان تعلیقی بازمی‌گردد که درباره آن صحبت کردم. ما در ابرها زندگی می‌کنیم و باورها و تصوراتمان با واقعیت‌های عینی فاصله دارد.»

اهمیت کاوش‌های باستان‌شناسی

اهمیت کاوش‌های باستان‌شناسی در میراث فرهنگی انکارناپذیر است. آثار تمدن بزرگ جیرفت در چنین کاوش‌هایی به دست آمده‌اند.

«یوسف منصورزاده»، استاد دانشگاه، با اشاره به اهمیت تداوم کاوش‌های باستان‌شناسی و توقف فعالیت‌هایی مانند پروژه جیرفت می‌گوید: «کاوش‌های باستان‌شناسی، از جمله فعالیت‌هایی که دکتر یوسف مجیدزاده در جیرفت انجام داد، نقش مهمی در شناخت و معرفی هویت تاریخی ایران دارند. اگر این کاوش‌ها متوقف شوند، طبیعتاً با آسیب‌های جدی مواجه خواهیم شد. بدون تداوم فعالیت‌های باستان‌شناسی نمی‌توانیم هویت ملی خود را به نسل‌های آینده منتقل کنیم.»

او می‌افزاید: «کاوش‌های باستان‌شناسی فرصتی برای معرفی عظمت و تمدن باشکوه ایران به جهان هستند و به ما امکان می‌دهند دستاوردهای تمدنی خود را مستند و اثبات کنیم. این فعالیت‌ها باید تداوم داشته باشند، زیرا توقف آن‌ها، علاوه‌بر متوقف کردن روند شناخت گذشته، امکان انتقال دستاوردهای پژوهشی به نسل‌های آینده را نیز محدود می‌کند.»

منصورزاده تأکید می‌کند: «فعالیت علمی باید استمرار داشته باشد. وقتی یک پروژه پژوهشی و کاوش باستان‌شناسی متوقف می‌شود، روند تولید دانش نیز آسیب می‌بیند و امکان انجام پژوهش‌های تازه و نوآوری از بین می‌رود. نمی‌توان انتظار داشت فعالیتی علمی آغاز شود، مدتی ادامه پیدا کند و سپس بدون پیامد متوقف شود.»

او در ادامه، آموزش را یکی دیگر از کارکردهای مهم باستان‌شناسی می‌داند و می‌گوید: «آموزش به مردم و نسل جدید اهمیت زیادی دارد. دستاوردهای علمی باید به نسل‌های بعد منتقل شوند تا آن‌ها بتوانند این یافته‌ها را تجزیه‌وتحلیل و تفسیر کنند و نتایج تحلیل‌های خود را نیز در اختیار نسل‌های آینده قرار دهند. بنابراین، باستان‌شناسی علاوه‌بر شناخت گذشته، نقشی آموزشی و انتقال‌دهنده دانش دارد.»

خبر

دستگاه قضایی حدود ۲,۵۰۰ پرونده حفاری غیرمجاز را پیگیری می‌کند

«سیدرضا صالحی‌امیری»، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، با هشدار درباره حفاری‌های غیرمجاز و تخریب آثار تاریخی، از پیگیری حدود ۲,۵۰۰ پرونده در دستگاه قضایی خبر داد.

صالحی‌امیری با اشاره به ابعاد حفاری‌های غیرمجاز و ضرورت حفاظت از آثار تاریخی کشور گفت: «ما باید یک حرکت گسترده فرهنگی در جامعه ایران برای افزایش حساسیت عمومی نسبت به میراث فرهنگی ایجاد کنیم.»

او با تأکید بر نقش «آموزش‌وپرورش»، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و «صداوسیما» در فرهنگ‌سازی افزود: «آثار تاریخی سرمایه ملی هستند و صیانت از آن‌ها نیازمند مشارکت و مسئولیت‌پذیری همه مردم است. نمی‌توان برای بیش از ۴۳ هزار اثر تاریخی به‌صورت شبانه‌روزی نگهبان مستقر کرد. بنابراین حفاظت از این سرمایه‌ها باید به یک باور و رفتار عمومی تبدیل شود.»

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با اشاره به برخوردهای قضایی با متخلفان گفت: «در حال حاضر حدود ۲۵۰۰ پرونده مرتبط با این موضوع در قوه قضاییه در حال پیگیری است و برای متخلفان نیز احکام محکومیت صادر می‌شود، اما رویکرد اصلی ما صرفاً برخورد قضایی نیست و فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی باید در اولویت قرار گیرد.»

صالحی‌امیری همچنین با اشاره به فعالیت گروه‌های سودجو و اقدامات مخرب علیه محوطه‌های تاریخی گفت: «برخی گروه‌های تبهکار با صرف هزینه تلاش می‌کنند به آثار تاریخی آسیب وارد کنند. این اقدامات علاوه بر خسارت‌های احتمالی، نگرانی و ذهنیت مخربی در جامعه ایجاد می‌کند و ضرورت افزایش آگاهی عمومی و مراقبت از میراث فرهنگی را دوچندان می‌سازد.»

او با تأکید بر فعالیت نیروهای حفاظتی و انتظامی گفت: «یگان حفاظت میراث فرهنگی با بیش از سه هزار نیرو در مراکز و محوطه‌های مختلف مستقر است و همکاری مستمری با فراجا، قوه قضاییه و بسیج برای مقابله با تخلفات و حفاظت از آثار تاریخی دارد.»

وزیر میراث فرهنگی در پایان از تدوین طرح فراگیر ملی برای تقویت حفاظت از میراث فرهنگی خبر داد و گفت: «در این طرح تلاش می‌کنیم از ظرفیت‌های محلی، شوراهای محلات، بسیج، فراجا و تشکل‌های مردم‌نهاد در استان‌های مختلف استفاده کنیم تا شبکه حفاظت از میراث فرهنگی با مشارکت مردم گسترش یابد.» امهر



سیدرضا صالحی‌امیری وزیر میراث فرهنگی گردشگری و صنایع‌دستی می‌گوید حدود ۲,۵۰۰ پرونده مرتبط با حفاری‌های غیرمجاز در دستگاه قضایی در حال پیگیری است و فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی باید در اولویت قرار گیرد

خبر

تسهیلات مشاغل خرد و صنایع‌دستی امسال به ۱۲ همت افزایش یافت

معاون توسعه مدیریت و منابع «وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی» از اختصاص ۱۲ هزار میلیارد تومان تسهیلات برای حمایت از مشاغل خرد، صنایع‌دستی و بوم‌گردی در سال جاری خبر داد.

«بهروز ندایی»، معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، با تشریح برنامه‌های حمایتی این وزارتخانه گفت: «امسال ۱۲ همت تسهیلات برای حمایت از مشاغل خرد، فعالان صنایع‌دستی و بوم‌گردی مصوب شده که امیدواریم پرداخت آن به‌زودی آغاز شود.»

او با اشاره به دوبرابرشدن اعتبارات این بخش نسبت به سال گذشته افزود: «سال گذشته حدود ۶ همت برای این حوزه در نظر گرفته شده بود که از این میزان حدود ۳,۲ همت، معادل ۵۵ درصد، پرداخت شد. اما امسال با افزایش منابع به ۱۲ همت، ظرفیت حمایتی وزارتخانه رشد قابل توجهی داشته است.»

ندایی با بیان اینکه یکی از ویژگی‌های مهم تسهیلات امسال، معرفی مستقل متقاضیان از سوی وزارت میراث فرهنگی است، گفت: «در گذشته پرداخت این تسهیلات از طریق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر دستگاه‌ها انجام می‌شد، اما اکنون وزارت میراث فرهنگی به‌صورت مستقل متقاضیان را معرفی می‌کند و فرایند پرداخت از طریق بانک‌ها انجام می‌شود.»

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت میراث فرهنگی ادامه داد: «بخشی از منابع از محل صندوق توسعه ملی تأمین شده و تلاش شده است تسهیلات با شرایط مناسب‌تری در اختیار فعالان بخش خصوصی قرار گیرد. همچنین منابع تسهیلاتی میان اعتبارات ملی و استانی توزیع می‌شود و میزان تخصیص هر استان با توجه به نیازها و ظرفیت جذب آن تعیین خواهد شد.»

او با اشاره به امکان بازگشت منابع تسهیلاتی و استفاده دوباره از آن‌ها گفت: «با بازپرداخت تسهیلات، منابع دوباره به چرخه پرداخت بازمی‌گردد و می‌تواند برای حمایت از متقاضیان جدید مورد استفاده قرار گیرد. تسهیلات برخی طرح‌ها نیز دارای دوره تنفس یک‌ساله است و در بعضی موارد بازپرداخت پس از بهره‌برداری از پروژه آغاز می‌شود.»

ندایی با اشاره به آثار اشتغال‌زایی این حمایت‌ها گفت: «تنها در سال گذشته و در حوزه صنایع‌دستی، از محل پرداخت تسهیلات با نرخ سود چهار درصد، برای حدود ۱۸ هزار نفر در کشور اشتغال ایجاد شد.»

اختصاص ۳,۲ همت برای مرمت آثار و توسعه زیرساخت‌ها

او در بخش دیگری از سخنان خود به اعتبارات حوزه مرمت و زیرساخت اشاره کرد و افزود: «در سال ۱۴۰۴ حدود ۳,۲ همت اعتبار در اختیار استان‌ها قرار گرفته تا پروژه‌های مرمتی و زیرساختی با جدیت دنبال شود. این اعتبار علاوه بر منابعی است که استان‌ها از طریق استانداری‌ها و شوراهای برنامه‌ریزی برای تکمیل زیرساخت‌های گردشگری و میراث فرهنگی اختصاص داده‌اند.»

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت میراث فرهنگی با بیان اینکه میزان تخصیص اعتبارات این وزارتخانه در سال ۱۴۰۴ بیش از ۹۰ درصد بوده است، گفت: «با وجود محدودیت‌ها و مشکلات اعتباری، تخصیص مناسبی انجام شده و پروژه‌های مهمی در حوزه زیرساخت‌های وزارتخانه و استان‌ها در حال اجراست.»

تقویت امکانات و ساختار اداری وزارت میراث فرهنگی

ندایی همچنین از تأمین تجهیزات و تقویت امکانات اجرایی استان‌ها خبر داد و گفت: «طی یک‌ونیم سال گذشته حدود ۱۰۰ دستگاه خودرو برای استفاده در استان‌ها تأمین و توزیع شده است. همچنین تأمین ۱۲۰ دستگاه موتورسیکلت برای استان‌ها در دستور کار قرار دارد تا روند نظارت و پیگیری امور اجرایی با توان بیشتری انجام شود.»

او با اشاره به برنامه توسعه فضاهای اداری وزارتخانه افزود: «در سطح کشور حدود ۳۸۰ شهرستان نیازمند ساماندهی و تأمین فضای اداری هستند و برای ساخت و تکمیل ساختمان‌های مورد نیاز، استفاده از ظرفیت مولدسازی در دستور کار قرار گرفته است.»

معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت میراث فرهنگی با اشاره به تقویت نیروی انسانی این مجموعه گفت: «در حالی که پیش از این حدود چهار هزار و ۸۰۰ پست سازمانی در وزارتخانه وجود داشت، چهار هزار پست سازمانی جدید نیز به مجموعه اضافه شد. همچنین برای حدود ۹۰ شهرستان که فاقد اداره یا نمایندگی میراث فرهنگی بودند، نمایندگی ایجاد شده و در برخی مناطق نیز نمایندگی‌ها به اداره ارتقا یافته‌اند.» امهر

توسعه راه‌های روستایی سعدآباد بوشهر در انتظار تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و تعریض محورهای ارتباطی است

«دشتستان» راه می‌خواهد

تکمیل پل ورودی روستای درودگاه، تعریض مسیرهای وحدتیه، نظرآقا و سربست و ارتقای ایمنی این مسیرها از مهم‌ترین مطالبات اهالی این مناطق است



مهر

| پیام ما | روستاییان بخش سعدآباد شهرستان دشتستان انتقادهای زیادی به وضعیت راه‌های مواصلاتی خود دارند. این انتقادها سال‌هاست مطرح می‌شود، اما به نظر می‌رسد مسئولان به آن‌ها ترتیب اثر نداده‌اند. ایمنی پایین راه‌های مواصلاتی مهم‌ترین موضوعی است که مردم معتقدند باید برای آن اقدامی عاجل انجام شود. تکمیل پل ورودی روستای درودگاه، تعریض مسیرهای وحدتیه، نظرآقا و سربست و ارتقای ایمنی این مسیرها از مهم‌ترین مطالبات اهالی این مناطق است. حالا بخشدار سعدآباد و مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان بوشهر می‌گویند برنامه‌های قابل‌توجهی برای این مناطق در دست اجراست، اما روستانشینان باید چند ماه دیگر منتظر بمانند تا طرح‌ها به سرانجام برسند.

بهسازی و تعریض راه‌های روستایی بخش سعدآباد، تکمیل پروژه‌های در دست اجرا و ارتقای ایمنی مسیرهای ارتباطی از جمله مطالبات مورد توجه مردم و مسئولان این بخش است. راه‌های ارتباطی از زیرساخت‌های مهم توسعه مناطق روستایی به شمار می‌روند و کیفیت این مسیرها تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره مردم، دسترسی به خدمات عمومی، فعالیت‌های اقتصادی و ارتباط میان شهرها و روستاها دارد.

بخش سعدآباد شهرستان دشتستان با برخورداری از شهرها و روستاهای متعدد و ظرفیت‌های قابل‌توجه در حوزه کشاورزی، به شبکه‌ای مناسب از راه‌های ارتباطی نیاز دارد تا رفت‌وآمد ساکنان و جابه‌جایی محصولات کشاورزی با سهولت و ایمنی بیشتری انجام شود.

در سال‌های گذشته اقداماتی برای تعریض، بهسازی و آسفالت محورهای ارتباطی این بخش انجام شده است، اما با توجه به افزایش تردد خودروها، گسترش فعالیت‌های اقتصادی و رشد جمعیت، برخی مسیرها همچنان به بهسازی، اصلاح و تعریض نیاز دارند. تعریض ورودی روستاها، بهسازی محورهای ارتباطی میان شهرها و روستاها، اصلاح نقاط نیازمند ایمن‌سازی و تکمیل پروژه‌های عمرانی از جمله موضوعاتی است که در برنامه توسعه راه‌های بخش سعدآباد مورد توجه قرار دارد. در این میان، تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه بهره‌برداری از طرح‌هایی مانند پل ورودی درودگاه و بهسازی مسیرهای دسترسی روستاها می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کیفیت تردد و رضایت ساکنان داشته باشد. بررسی دیدگاه‌های مردم و مسئولان محلی نشان می‌دهد که تداوم اجرای طرح‌های عمرانی، تأمین اعتبارات و همکاری دستگاه‌های اجرایی با مدیریت شهری و روستایی می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های ارتباطی سعدآباد شتاب ببخشد.

مطالبه تکمیل طرح‌ها

«خبرگزاری مهر» به نقل از یکی از اهالی سعدآباد نوشت «مسیرهای ارتباطی باید متناسب با میزان تردد و نیازهای امروز مردم توسعه پیدا کنند. برخی جاده‌ها به تعریض و بهسازی نیاز دارند و انتظار می‌رود برای تسهیل رفت‌وآمد و افزایش ایمنی این مسیرها برنامه‌ریزی شود.»

«محمد» ادامه داد «ارتباط مناسب میان شهر سعدآباد و روستاهای اطراف، علاوه بر تسهیل رفت‌وآمد مردم، در دسترسی کشاورزان به مزارع و انتقال محصولات نیز اهمیت دارد.»

«مهدی»، از اهالی روستای درودگاه، نیز با اشاره به پروژه پل ورودی این روستا گفت «تکمیل پل و بهسازی مسیر ورودی درودگاه از مطالبات مهم مردم است و امیدواریم با پیگیری مسئولان، این پروژه هرچه سریع‌تر تکمیل شود تا شرایط تردد و دسترسی ساکنان بهبود پیدا کند.»

«حسن»، از اهالی روستای آل‌یوسفی، نیز با اشاره به اهمیت بهسازی راه ارتباطی این روستا گفت «بهبود کیفیت مسیر و تعریض آن می‌تواند رفت‌وآمد اهالی را آسان‌تر کند و در افزایش ایمنی تردد نقش داشته باشد. انتظار داریم روند اجرای این طرح با جدیت ادامه پیدا کند.»

«مصطفی سلیمی مفرد»، بخشدار سعدآباد، درباره اقدامات انجام‌شده در حوزه راهداری و بهسازی راه‌های ارتباطی این بخش می‌گوید «طی دو سال گذشته تحولات مثبتی در حوزه راه‌های ارتباطی سعدآباد رقم خورده و اقدامات ارزشمندی برای ارتقای ایمنی و تسهیل تردد در محورهای مواصلاتی انجام شده است.»

تعریض و بهسازی مسیر سه‌راهی وحدتیه تا ورودی شهر، تعریض و بهسازی بلوار اصلی شهر سعدآباد، تکمیل پروژه‌های تعریض و بهسازی مسیر ورودی روستای درودگاه و تکمیل پل ورودی این روستا از جمله اولویت‌های مورد توجه مردم و مسئولان بخش است. سلیمی مفرد درباره این مطالبات می‌گوید «تعریض و بهسازی مسیرهای مواصلاتی سعدآباد به وحدتیه، سه‌راهی جنوط تا ورودی این روستا، سه‌راهی آل‌یوسفی تا ورودی روستا و فاز نخست تعریض مسیر سه‌راهی سربست تا ورودی این روستا، از جمله اقدامات انجام‌شده در این مدت بوده است.» بخشدار سعدآباد با تشریح مهم‌ترین برنامه‌ها و مطالبات این بخش در حوزه راه و راهداری می‌گوید «تعریض و بهسازی مسیر سه‌راهی وحدتیه تا ورودی شهر، تعریض و بهسازی بلوار اصلی شهر سعدآباد، تکمیل پروژه‌های تعریض و بهسازی مسیر ورودی روستای درودگاه و تکمیل پل ورودی این روستا از جمله اولویت‌های مورد توجه مردم و مسئولان بخش است.»

سلیمی مفرد ادامه می‌دهد «تعریض و بهسازی ورودی روستای نظرآقا، اجرای فاز دوم تعریض ورودی سربست و همچنین تعریض مسیر ارتباطی وحدتیه به سیاه‌منصور، از دیگر طرح‌های مورد نیاز بخش سعدآباد به شمار می‌رود که امیدواریم با برنامه‌ریزی و تأمین اعتبارات لازم اجرایی شوند.»

او همچنین با تأکید بر اهمیت توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و نقش آن در افزایش ایمنی تردد، تسهیل رفت‌وآمد مردم و رونق اقتصادی منطقه می‌گوید «انتظار می‌رود با پیگیری‌های انجام‌شده و همکاری اداره‌کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان، بخشی از این پروژه‌ها طی ماه‌های آینده تکمیل و به بهره‌برداری برسد.»

اجرای طرح‌های بهسازی

«فرزاد رستمی»، مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان بوشهر، هم از اجرای طرح‌های گوناگون برای بهبود راه‌های این منطقه خبر می‌دهد و می‌گوید «توسعه زیرساخت‌های راه‌های روستایی و فرعی، تعریض محورهای ارتباطی و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام از اولویت‌های این اداره‌کل است و تلاش می‌کنیم با استفاده از ظرفیت‌های موجود، روند اجرای پروژه‌ها شتاب بگیرد.»

به گفته رستمی، «سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای» آمادگی دارد با مشارکت شهرداری‌ها و دهیاری‌های بخش سعدآباد، پروژه‌های تعریض و بهسازی مسیرهای ورودی شهرها و روستاها را اجرا کند. او می‌گوید «در نیمه نخست سال جاری، ۴۴٫۷ کیلومتر آسفالت‌ریزی در مسیرهای روستایی استان انجام شده و عملیات زیرسازی راه‌های روستایی نیز به طول ۵۸٫۵ کیلومتر به اجرا درآمده است. در راستای افزایش ایمنی و پایداری مسیرها، احداث و اجرای ابنیه فنی نیز به میزان ۷۷ دستگاه انجام شده است که این سازه‌ها با مدیریت جریان آب‌های سطحی و تقویت زیرساخت راه‌ها، نقش مهمی در افزایش دوام مسیرها و بهبود کیفیت تردد دارند.»

رستمی با اشاره به وضعیت برخورداری روستاهای استان از راه آسفالته می‌گوید «براساس آخرین ارزیابی‌ها، شاخص برخورداری روستاهای استان بوشهر از راه دسترسی آسفالت به ۹۸ درصد رسیده است و تنها سه روستای باقی‌مانده که جمعیت آن‌ها کمتر از ۲۰ خانوار است، فاقد راه آسفالته هستند که پروژه‌هایی نیز برای بهبود دسترسی این روستاها در دست اجرا قرار دارد. از ابتدای سال تاکنون، عملیات ساخت، تعریض و بهسازی راه‌های روستایی و فرعی در قالب بیش از ۱۱۵ کیلومتر عملیات راه‌سازی و اجرای ۳۲ دستگاه ابنیه فنی در دستور کار قرار گرفته است. همچنین طی این مدت، ۳۱ کیلومتر روکش آسفالت راه‌های روستایی و ۳۰ کیلومتر روکش راه‌های فرعی اجرا شده و عملیات زیرسازی نیز در ۵۳ کیلومتر از محورهای مختلف استان به انجام رسیده است.»

رستمی تأکید می‌کند که اولویت اجرای پروژه‌ها براساس نیازسنجی میدانی، میزان تردد و مطالبات مردمی در شهرستان‌های مختلف استان تعیین می‌شود. او توضیح می‌دهد «مجموع این اقدامات با هدف ارتقای ایمنی تردد، کاهش تصادفات جاده‌ای و فراهم‌کردن زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی مناطق روستایی استان بوشهر انجام می‌شود.»

دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی مردم و مسئولان نشان می‌دهد که توسعه راه‌های ارتباطی بخش سعدآباد نیازمند تداوم اقدامات عمرانی و توجه هم‌زمان به تعریض مسیرهای پرتردد، بهسازی ورودی روستاها، تکمیل پل درودگاه و ارتقای ایمنی محورهای ارتباطی است.

هماهنگی میان اداره‌کل راهداری، بخشداری، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیز می‌تواند در پیشبرد این برنامه‌ها نقش مؤثری داشته باشد.

با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی و کشاورزی بخش سعدآباد، بهبود شبکه راه‌های ارتباطی علاوه بر افزایش رفاه ساکنان، زمینه دسترسی بهتر به خدمات و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کند. اکنون انتظار می‌رود با تداوم همکاری دستگاه‌های مسئول و پیگیری مطالبات محلی، پروژه‌های در دست اجرا طبق برنامه تکمیل شوند و توسعه راه‌های روستایی این بخش با شتاب بیشتری ادامه یابد.



اهالی روستاهای بخش سعدآباد دشتستان می‌گویند موضوع خاکی یا آسفالته بودن نیست جاده‌های ناایمن و باریک و تاریک مدام خسارت جانی و مالی روی دست اهالی می‌گذارند

مدیرکل راهداری: شاخص برخورداری روستاهای استان بوشهر از راه دسترسی آسفالت به ۹۸ درصد رسیده است و تنها سه روستای باقی‌مانده که جمعیت آن‌ها کمتر از ۲۰ خانوار است، فاقد راه آسفالته هستند که پروژه‌هایی نیز برای بهبود دسترسی این روستاها در دست اجرا قرار دارد

| خبر |

پرداخت ۴۲۰ میلیارد تومان به جنگ‌زدگان در بوشهر

مدیرکل «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر» با بیان اینکه در جریان جنگ اخیر ۱۰ شهر و ۱۴ روستای استان آسیب دیدند، از پرداخت ۴۲۰ میلیارد تومان به خسارت‌دیدگان جنگ در بوشهر خبر داد.

به گزارش «پیام ما» به نقل از «تسنیم»، «امیر برومند»، مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر، با اشاره به حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به نقاط مختلف استان و آسیب‌دیدن شماری از واحدهای مسکونی و تجاری گفت: «در جریان این حملات، ستاد بازسازی جنگ در بنیاد مسکن استان بوشهر تشکیل شد و ضمن شناسایی و تعمیر واحدها، پیگیری پرداخت خسارت‌ها با اقدامات مهمی دنبال شده است.»

برومند با تأکید بر سرعت عمل این مجموعه افزود: «در خصوص عملکرد ستاد بازسازی، بعد از اسفندماه که حمله رژیم جنایتکار آمریکا و اسرائیل به استان بوشهر صورت گرفت، شاید کمتر از ۲۴ ساعت ستاد بازسازی جنگ استان را تشکیل دادیم و در تمامی شهرستان‌ها، به‌ویژه در مناطق با بیشترین خسارت، در خدمت آسیب‌دیدگان بودیم.»

او همچنین با اشاره به آمار واحدهای احداثی و تعمیری گفت: «از مجموع واحدهای آسیب‌دیده، ۲ واحد احداثی در شهر بوشهر داشتیم که این هفته درخواست خرید منزل داده‌اند و به‌ازای هر مترمربع ۲۵ میلیون تومان کمک پرداخت می‌شود تا واحد مسکونی خریداری کنند و تعهد تخریب به ما داده‌اند که وقتی واحد مسکونی جدید خریداری شد، زمین واحد قبلی تحویل صاحبش می‌شود.»

به گفته مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان بوشهر، از مجموع ۶۸۸ واحد تعمیری، تاکنون تعمیر ۶۲۲ واحد به پایان رسیده است. در بخش خسارت‌های معیشتی نیز ۲٬۵۸۵ واحد ثبت شده است. به گفته او، ۲۳۹ میلیارد تومان برای تعمیرات و ۱۶۶ میلیارد تومان بابت خسارت معیشتی پرداخت شده و مجموع پرداختی‌ها برای جبران خسارت واردشده به اماکن مسکونی و تجاری استان تاکنون به نزدیک ۴۲۰ میلیارد تومان رسیده است.

برومند با اشاره به میزان جذب اعتبار ملی گفت: «الحمدلله ستاد بازسازی جنگ پیشرفت بالایی دارد و از این ۴۲۰ میلیارد تومانی که تأمین اعتبار شده، تنها ۵ میلیارد تومان از محل استان بوده و ۴۱۵ میلیارد تومان را از محل اعتبارات ملی جذب کرده‌ایم که این آمار بسیار خوبی است.»

مدیرکل بنیاد مسکن استان بوشهر با بیان اینکه در جریان این جنگ ۱۰ شهر و ۱۴ روستای استان آسیب دیدند، گفت: «پرداخت این کمک‌ها با هدف کاهش بخشی از فشار اقتصادی واردشده بر خانواده‌های آسیب‌دیده و فراهم‌کردن امکان بازگشت سریع‌تر آن‌ها به شرایط عادی زندگی انجام شده است و روند پرداخت‌ها متناسب با تکمیل فرایندهای ارزیابی و تشکیل پرونده ادامه خواهد داشت.»

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۰۹۹۶۷ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۰۹۶۳ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۰۹۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی احسان‌پور به شناسنامه شماره ۱۵۴۱ کدملی ۱۲۸۵۶۲۱۰۲ صادره فرزند عباس نسبت به دو دانگ مشاع از/ششدانگ و محمدرضا زارع مهرجردی به شناسنامه شماره ۴۱۲۵۱ کدملی ۴۴۳۰۴۱۲۶۰۱ صادره فرزند شعبانعلی نسبت به دو دانگ مشاع از/ششدانگ و حسین صادقیان به شناسنامه شماره ۱۲۴ کدملی ۱۲۹۱۳۳۳۳۵۵ صادره فرزند رمضان نسبت به دو دانگ مشاع از/ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۱۵۴۴/۶۰ مترمربع پلاک شماره ۹۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی و مع‌الواسطه از طرف آقایان رضا و حسین هر دو اسعدی آذر خورانی که به‌موجب سند ۸۶۸۹۹ مورخ ۱۳۴۶/۱۱/۲۳ دفترخانه ۱۴ اصفهان به‌عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می‌باشد) محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۹/۰۱
مهدی صادقی وصفی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۳۱۷۷۴۳

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۰۶۴۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سکینه طغیانی پژوه به شناسنامه شماره ۱۹۷۰ کدملی ۱۲۸۳۶۸۵۴۸۵ صادره فرزند یدالله در ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۲۳۰۸۷/۵۱ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره ۱۳۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (به‌موجب سند ۲۳۲۰۶ مورخ ۱۳۳۱/۰۸/۱۹ دفترخانه ۱۵ اصفهان قسمتی از پلاک بنام متقاضی می‌باشد) محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۹/۰۱
مهدی صادقی وصفی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۳۱۷۸۹۶

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۰۹۹۹۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۷ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سکینه طغیانی پژوه به شناسنامه شماره ۱۹۷۰ کدملی ۱۲۸۳۶۸۵۴۸۵ صادره فرزند یدالله در ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۳۱۰۰۷/۰۱ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره ۱۳۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (به‌موجب سند ۲۳۲۰۶ مورخ ۱۳۳۱/۰۸/۱۹ دفترخانه ۱۵ اصفهان قسمتی از پلاک مذکور بنام متقاضی می‌باشد) محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۹/۰۱
مهدی صادقی وصفی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۳۱۷۹۰۶

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۱۰۹۴۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یار محمد قرائی فرزند محمدناصر به شماره شناسنامه ۹۰ صادره از تربت‌حیدریه در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۲/۱۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵۳ متصل به ۴۳۰ فرعی از پلاک شماره ۲۳۱ اصلی واقع در اراضی دیزقند دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی خانم طاهر برجی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۹/۰۲
سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۳۱۷۵۰۹ م الف:۴۰۵۸۲۲

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۱۲۷۸۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی‌محمد پور میاندهی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۹۷۴ صادره از فیض‌آباد در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۷/۰۴ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۲۰۵ اصلی واقع در اراضی بهارستان دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک آقای محمد حبیبی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۹/۰۲
سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۳۱۷۶۴۲ م الف:۴۰۵۸۲۸

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
آگهی مزایده اموال منقول (سیمکارت همراه اول) به پرونده اجرائی ۲۱۴۰۵۰۴۰۲۹۱۱۵۰۶۱۷۷۵

امتیاز خط تلفن به شماره همراه ۰۹۱۲۰۸۱۱۵۳۱ متعلق به آقای پژمان رزمپور با شماره ملی ۰۹۴۵۰۲۲۳۷۹ متعهد پرونده اجرایی فوق که در قبال مطالبات خانم زهرا محمدی با شماره ملی ۴۵۹۱۰۶۷۲۰۳ موضوع شماره چک:۹۰۰۲/۷۴۱۴۹۷ تاریخ چک ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ بانک: صادرات شعبه: باغزندان، کد شعبه: ۱۹۰۲۹۵۷، مبلغ: چک ۴۲۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال، شماره گواهی‌نامه: ۱۷۸۴۳۵۲۹۵، تاریخ برگشت:۱۴۰۴/۰۲/۳۱ و شماره چک:۹۰۰۲/۷۴۱۴۹۵ تاریخ چک:۱۴۰۳/۱۲/۱۰ بانک: صادرات، شعبه باغزندان. کد شعبه: ۱۹۰۲۹۵۷ مبلغ چک ۴۲۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال، شماره گواهی‌نامه: ۱۷۶۴۹۴۹، تاریخ برگشت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸؛ موضوع لازم‌الاجرا: ۸۴۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (هشتصد و چهل میلیون ریال)

حسب تقاضای بستانکار تلفن مورد مزایده بازداشت و برابر گزارش کارشناس رسمی خط تلفن همراه مذکور را به مبلغ ۷۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (هفتاد و یک میلیون تومان) ارزیابی و باتوجه به ابلاغ نظریه کارشناسی به طرفین و عدم وصول اعتراض در مهلت قانونی قطعیت یافته است.

حسب درخواست بستانکار مزایده خط تلفن مذکور بصورت حضوری راس ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز چهارشنبه بیست و هفتم آبان‌ماه، سال یک هزار و چهارصد و پنج هجری شمسی (۱۴۰۵/۰۸/۲۷) در محل اداره ثبت شاهرود واقع در شاهرود خیابان ۱۵ خرداد نهم کوچه هواشناسی شعبه اجرا برگزار و مورد مزایده فوق در قبال قسمتی از مطالبات بستانکار و هزینه‌های اجرائی نقداً به فروش می‌رسد.

مزایده از مبلغ ۷۱۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار نقداً فروخته خواهد شد شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و خریداران و یا نماینده قانونی آنها می‌توانند جهت شرکت در مزایده در وقت مقرر (از ساعت ۹ صبح الی ساعت ۱۲ همان روز) ضمن واریز ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی خط تلفن همراه فوق به مبلغ ۷۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال به‌حساب سپرده ثبت شاهرود در سامانه ستاد مبلغ پیشنهادی خود را به مبلغ حداقل مبلغ پایه مزایده در سامانه مذکور اعلام نمایند. برنده مزایده مکلف است مابه‌التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج‌روز از تاریخ مزایده به‌حساب صندوق ثبت تودیع نموده و درصورتی‌که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به‌حساب سپرده ثبت واریز ننماید مبلغ مذکور قابل‌استرداد نبوده و به‌حساب خزانه واریز و عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌گردد. حق مزایده زائد بر مبلغ مزایده بعهده خریدار می‌باشد (برابر بند ۶ ماده ۱۲۱ و ماده ۱۲۵ آئین نامه اجرا) نیم عشر اجرائی خط تلفن همراه مورد مزایده به مبلغ ۳۵.۵۰۰.۰۰۰ ریال و حق مزایده متعلقه به مبلغ ۴۲.۶۰۰.۰۰۰ ریال می‌باشد و نقداً در روز برگزاری مزایده دریافت می‌گردد. ضمناً هزینه‌های فراز بند ۶ ماده ۱۲۱ و ۱۲۵ آئین نامه اجرا و حق المزایده مازاد بعهده برنده مزایده می‌باشد و چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت برگزار خواهد شد و چنانچه هزینه‌های فوق توسط بستانکار پرداخت گردد به طلب وی اضافه می‌گردد.

ضمناً برابر ماده ۳۹ مکرر چنانچه خریداری جهت شرکت در مزایده شرکت نکند و بستانکار به‌عنوان برنده مزایده تعیین گردد مدت ۲ ماه از تاریخ برگزاری مزایده به مدیون فرصت داده می‌شود تا ضمن تسویه بدهی‌های پرونده از نقل‌وانتقال مال جلوگیری نماید.

تاریخ انتشار آگهی روز شنبه شانزدهم آبان‌ماه سال یکهزار و چهارصد و پنج هجری شمسی (۱۴۰۵/۰۸/۱۶)
تاریخ برگزاری مزایده: ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز چهارشنبه بیست و هفتم آبان‌ماه سال یک هزار و چهارصد و پنج هجری شمسی (۱۴۰۵/۰۸/۲۷)
شناسه آگهی:۲۳۱۸۸۹۶

روزنامه پیام ما

www.payamema.ir

شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۵۳۳

روزنامه سیاسی - اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر تحریریه: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتونیست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۱۰۵ ۷۴۲۲-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: صمیم (۰۲۱۶۵۵۸۶۸۰۲)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی‌ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir



پیام ما دیروز

رد پلاستیک

اقیانوسی که آبی نیست

تصاویر ماهواره‌ای از روشن‌تر شدن بخش‌هایی از اقیانوس آرام خبر می‌دهند و دانشمندان احتمال می‌دهند که آلودگی پلاستیکی عامل این تغییر باشد.

«زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام»، منطقه‌ای وسیع میان هاوایی و کالیفرنیا، سال‌هاست که به‌دلیل انباشت حجم عظیمی از زباله‌های پلاستیکی شناخته می‌شود. اکنون دانشمندان احتمال می‌دهند که این آلودگی، علاوه بر آسیب رساندن به موجودات دریایی، بر رنگ آب اقیانوس نیز تأثیر بگذارد.

به گزارش «نیوساینتیست»، زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام حدود ۱٫۶ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد و برآورد می‌شود نزدیک به ۸۰ هزار تن زباله پلاستیکی در آن جمع شده باشد. جریان‌های اقیانوسی این زباله‌ها را به منطقه منتقل می‌کنند و باعث تجمع آن‌ها می‌شوند. در برخی بخش‌ها، غلظت ریزپلاستیک‌ها در نزدیکی سطح آب ممکن است به ۱۷ میلی‌گرم در هر لیتر برسد.

پژوهشگران «دانشگاه برگن» نروژ برای بررسی تغییرات رنگ آب، سه مجموعه داده ماهواره‌ای مربوط به سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۲ را تجزیه‌وتحلیل کردند. نتایج نشان داد که در بخش‌هایی از زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام، میزان نور آبی بازتاب‌یافته از آب حدود ۱۰ درصد و میزان نور سبز بازتاب‌یافته بین ۲ تا ۴ درصد افزایش یافته است.

هرچند داده‌های ماهواره‌های مختلف درباره شدت تغییرات کاملاً یکسان نبودند، همگی افزایش روشنایی آب را تأیید می‌کردند. افزایش هم‌زمان بازتاب نور آبی و سبز می‌تواند رنگ آب را به فیروزه‌ای روشن‌تر متمایل کند.

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که آب اقیانوس‌ها در بسیاری از مناطق جهان به دلایل مختلفی مانند ورود رواناب‌های کشاورزی و رشد فیتوپلانکتون‌ها در حال تیره‌تر شدن است. بااین‌حال، تغییرات مشاهده‌شده در زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام الگوی متفاوتی دارد.ا زومیت



عکس نوشت

عکس: آندره‌آد سیلوا/EPA

این تصویری از یک لک‌لک قرمز بر فراز باتلاق گودینو در جنوب ترینیداد (جزیره‌ای در کارائیب) است. این پرنده نماد ملی ترینیداد و توباگو است. شکار غیرقانونی، آلودگی و از بین رفتن تالاب‌های ساحلی، جمعیت این پرنده را تهدید می‌کند.

جهان

تلاش هنرمندان سودانی برای حفظ سنت‌های فرهنگی در میانه جنگ و آوارگی

از دل خاکستر دوباره برمی‌خیزیم

| پیام ما | دو پیراهن، دو شلوار، دو کتاب و چند برگ کاغذ طراحی پاره‌شده، تمام چیزی بود که «عواد هارون»، هنرمند تجسمی و کارگردان تئاتر ۴۵ساله، هنگام فرار به همراه داشت. تصور می‌کرد به‌زودی به خانه بازمی‌گردد، اما در عوض ناچار شد زندگی‌اش را دور از زادگاه و خانه‌اش از نو بسازد.

پس از آنکه جنگ زندگی‌ای را که با تلاش فراوان در پایتخت ساخته بود ویران کرد، خانه‌اش را در منطقه «الحلفایا» در شمال خارطوم ترک کرد. اندکی پس از آغاز درگیری‌ها میان «نیروهای مسلح سودان» و «نیروهای شبه‌نظامی پشتیبانی سریع» در آوریل ۲۰۲۳، همراه همسر و پسرش به پورت سودان رفت. خانه، فضای کار هنری و ابزارهایی را که برای فعالیت حرفه‌ای به آن‌ها نیاز داشت، پشت سر گذاشت. او نه‌فقط خانه‌اش، بلکه ابزارها و موادی را هم از دست داد که برای کار و تأمین معاش به آن‌ها وابسته بود.

حالا هارون یکی از چند هنرمند سودانی است که دور از وطن تلاش می‌کنند سنت‌های فرهنگی سودان را زنده نگه دارند.

هارون در پورت سودان تلاش کرد با استفاده از مهارت‌هایش در مجسمه‌سازی، طراحی و تزیینات، درآمدی به دست آورد. او از آن زمان در اجراهای نمایشی جشنواره «واصل» که به همت گروه فرهنگی «اهالینا» و با همکاری «یونسکو» برگزار شد، شرکت کرده و کارگاه‌هایی در زمینه هنرهای سنتی با همکاری گروه‌های فرهنگی برگزار کرده است.

او در سال ۲۰۱۳، همراه گروهی از جوانان، گروه فرهنگی اهالینا را بنیان گذاشت. این گروه با بهره‌گیری از تئاتر هنرهای تجسمی، موسیقی و نمایش عروسکی، با جوانان ارتباط برقرار می‌کند و در پی ترویج صلح و همبستگی اجتماعی است.



Al Jazeera

نقاشی، قصه‌گویی، موسیقی و بازی نیز فرصت‌هایی برای کودکان فراهم کرده‌اند تا احساسات خود را بیان کنند و با دیگران ارتباط بگیرند. هارون به «الجزیره» دراین‌باره گفته است: «از دست دادن ابزارهایم به این معنا نیست که مهارت‌هایم را هم از دست داده‌ام و از دست دادن فضای کارم هم به این معنا نیست که دیگر توانایی خلق اثر ندارم.» هارون و دیگر هنرمندانی که از خانه‌هایشان آواره شده بودند، در مدرسه‌ای قدیمی در پورت سودان پناه گرفتند. آن‌ها به پاک‌سازی و آماده‌سازی ساختمان برای خانواده‌هایی کمک کردند که ناچار به ترک محل زندگی‌شان شده بودند. هارون می‌گوید: «حالا نگرانی از احتمال تخلیه این محل، ما را در بلاتکلیفی گذاشته و نمی‌دانیم بعد از این باید به کجا برویم.»

هارون معتقد است هنر نمی‌تواند جای خانه ازدست‌رفته را بگیرد یا به جنگ پایان دهد، اما می‌تواند خاطرات را زنده نگه دارد، جوامع را گرد هم بیاورد و فضایی برای بازی و ابراز وجود کودکان فراهم کند.

شعار گروه فرهنگی اهالینا این است: «از دل خاکستر دوباره برمی‌خیزیم.» این عبارت برای هارون چیزی فراتر از یک شعار است و این نکته را یادآوری می‌کند که با وجود تمام خسارت‌هایی که جنگ به او تحمیل کرده، باید به خلق کردن ادامه دهد.

جنگ ضربه سنگینی به زندگی فرهنگی سودان وارد کرده است. مکان‌های میراثی آسیب دیده‌اند و معیشت هنرمندان در سراسر کشور مختل شده است.

یونسکو در ژوئن ۲۰۲۶ برآورد کرد که بخش فرهنگ سودان با کمبود ۳۰ میلیون دلاری بودجه روبه‌روست. اما پشت این رقم، خسارت‌های دیگری نیز نهفته است. هنرمندانی در جنگ کشته شده‌اند یا ناچار شده‌اند استودیوها، گالری‌ها، آثار هنری و ابزارهای موردنیازشان را پشت سر بگذارند.

یونسکو در آوریل ۲۰۲۴ گزارش داد که «اتحادیه هنرمندان و نویسندگان» در پورت سودان به بیش از ۱۱۲ هنرمند آواره و دیگر فعالان حوزه فرهنگ پناه داده است.

با وجود ادامه دشواری‌ها، فعالیت‌های فرهنگی متوقف نشده‌اند. یونسکو در آوریل ۲۰۲۶ اعلام کرد که طرح‌های این سازمان در پورت سودان به بیش از ۳۵۰ هنرمند، زن، دختر و فعال فرهنگی آواره در داخل سودان کمک کرده و از تلاش‌ها برای زنده نگه داشتن حیات فرهنگی این کشور در میانه درگیری‌ها حمایت کرده است.

موسیقی، راهی برای حفظ میراث فرهنگی سودان

«عاصم عبدالعزیز»، ۳۱ ساله، موسیقی‌دان و فیلم‌ساز، در پی تشدید درگیری‌ها و حملات مکرر پهپادی، شهر الابیض را ترک کرد. در نوامبر ۲۰۲۳، با امید یافتن امنیت و کار، به پورت سودان رسید. عاصم که از خانواده‌اش جدا افتاده و اعضای خانواده‌اش در ام‌درمان و الابیض پراکنده شده‌اند، به‌تنهایی در پناهگاهی برای هنرمندان آواره زندگی می‌کند. جنگ زندگی او را از مسیر طبیعی خود خارج کرده و فعالیت حرفه‌ای‌اش را مختل کرده است، اما او همچنان از موسیقی برای حفظ میراث فرهنگی سودان و گرد هم آوردن جوامع مختلف استفاده می‌کند. او در پورت سودان با اتحادیه محلی هنرمندان و نویسندگان، یونسکو و سازمان‌های اجتماعی همکاری کرده است. همچنین با «وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی» و دیگر هنرمندان در اجرای برنامه‌های موسیقایی با موضوع مسائل اجتماعی، از جمله مقابله با نفرت‌پراکنی و نژادپرستی، مشارکت داشته است.

عاصم می‌گوید جنگ به گسترش نفرت‌پراکنی و عمیق‌تر شدن شکاف میان جوامع مختلف سودان دامن زده است. او باور دارد هنر می‌تواند با ترویج تنوع، پذیرش متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز، در برابر این اختلاف‌ها بایستد.

او به الجزیره گفته است: «از نزدیک دیده‌ام که نفرت‌پراکنی چگونه بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. از طریق موسیقی تلاش می‌کنم به مردم سودان یادآوری کنم که همه ما خواهر و برادریم و جنگ نماینده هویت واقعی ما نیست.»

یکی از راه‌هایی که او برای تحقق این هدف دنبال می‌کند، پروژه‌ای به نام «موخالیه» است که یک سال پیش با هدف ثبت و آرشیو موسیقی و ریتم‌های سنتی مناطق مختلف سودان راه‌اندازی کرد.

او گفت: «امیدوارم این پروژه را به جشنواره‌های بین‌المللی ببرم تا مخاطبان کشورهای دیگر با سنت‌های غنی موسیقایی و تنوع فرهنگی سودان آشنا شوند.»

او معتقد است حفظ میراث فرهنگی فقط به معنای مراقبت از گذشته نیست، بلکه در شرایط جنگی که جوامع را آواره و زندگی مردم را مختل کرده، راهی برای زنده نگه داشتن هویت فرهنگی سودان است.

«عبدالقادر هاشم»، دبیر اتحادیه نویسندگان و هنرمندان ایالت دریای سرخ، به الجزیره گفت این اتحادیه از زمان آغاز جنگ در ۱۵ آوریل ۲۰۲۳، از هنرمندان و خانواده‌هایشان که به‌دلیل درگیری‌ها در دیگر مناطق سودان ناچار به فرار شده‌اند، حمایت کرده است.

او گفت: «ما برای ایجاد پناهگاهی برای هنرمندان آواره در یک مدرسه در پورت سودان تلاش کردیم و از سازمان‌های محلی و بین‌المللی خواستیم برای تأمین نیازهای اولیه آن‌ها حمایت کنند.» این اتحادیه علاوه بر تأمین سرپناه، به هنرمندان آواره کمک کرده است در فعالیت‌های فرهنگی شهر مشارکت کنند و در برنامه‌های آگاهی‌بخشی اجتماعی درباره موضوعات مهم جامعه، از جمله خطرات مصرف مواد مخدر که به نگرانی فزاینده‌ای در سودان تبدیل شده است، نقش داشته باشند. با وجود ویرانی خانه‌ها و فضاهای هنری، هنرمندان سودانی تلاش می‌کنند با موسیقی، تئاتر و هنرهای سنتی، پیوندهای فرهنگی و اجتماعی مردم را زنده نگه دارند. برای آن‌ها، ادامه خلق اثر راهی برای حفظ خاطره‌ها و هویت فرهنگی سرزمینی است که جنگ بخش بزرگی از زندگی مردمش را تغییر داده است.

جشنواره

جزئیات بخش پژوهش «موسیقی نواحی» اعلام شد

از شنیدن تا شناختن



مدیر بخش علمی و پژوهشی «هجدهمین جشنواره ملی موسیقی نواحی» با تشریح رویکردها و جزئیات این بخش از جشنواره، بر ضرورت توسعه و ترویج نگاه علمی و تحلیلی به موسیقی نواحی ایران تأکید کرد.

«حمید عسکری» گفت «هدف این است که جشنواره علاوه بر فراهم‌کردن فرصت اجرا و معرفی هنرمندان، بستری برای تولید و تبادل دانش درباره موسیقی نواحی ایران نیز باشد.»

عسکری با اشاره به رویکرد بخش پژوهش در این دوره گفت «رویکرد بخش پژوهش در این دوره، تقویت نگاه علمی و تحلیلی به موسیقی نواحی ایران و فراهم‌کردن زمینه‌ای برای گفت‌وگو میان پژوهشگران، موسیقی‌دانان و صاحبان سنت‌های موسیقایی است. البته موسیقی نواحی را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از نغمه‌ها و شیوه‌های اجرایی دانست. این موسیقی با زبان، حافظه تاریخی، زیست اجتماعی و تجربه نسل‌های مختلف پیوند دارد. بنابراین، شناخت آن به پژوهش‌هایی نیاز دارد که هم ویژگی‌های ساختاری و زیبایی‌شناختی موسیقی را بررسی کنند و هم زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل‌گیری و انتقال آن را در نظر بگیرند.»

او اضافه کرد «بر همین اساس، محورهای پژوهشی این دوره طیفی از مطالعات تطبیقی و ارتباطات میان‌فرهنگی تا تحلیل ساختارهای موسیقایی، بررسی نسبت سنت و نوآوری و مطالعه شیوه‌های انتقال دانش موسیقایی را در بر می‌گیرد. هدف آن است که جشنواره علاوه بر فراهم‌کردن فرصت اجرا و معرفی هنرمندان، بستری برای تولید و تبادل دانش درباره موسیقی نواحی ایران نیز باشد.»

مدیر بخش علمی و پژوهشی هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی درباره تفاوت بخش پژوهش این دوره با دوره‌های پیشین گفت «تفاوت بخش پژوهش این دوره را باید بیش از آنکه در طرح موضوعاتی کاملاً بی‌سابقه جست‌وجو کنیم، در بازتعریف و صورت‌بندی روشن‌تر قلمرو پژوهش دانست. در دوره‌های پیشین نیز موضوعاتی مانند سنت، اصالت، خلاقیت و تغییرات موسیقایی مطرح بوده‌اند، اما در فراخوان این دوره تلاش کرده‌ایم حوزه‌های مختلف مطالعه موسیقی نواحی را در چهار محور مشخص «مطالعات تطبیقی و ارتباطات میان‌فرهنگی»، «نسبت سنت و نوآوری»، «تحلیل ساختارها و ویژگی‌های موسیقایی» و «انتقال دانش و زیست اجتماعی موسیقی» سامان دهیم.»

این مدرس دانشگاه ادامه داد «این صورت‌بندی کمک می‌کند پژوهش موسیقی نواحی را به معرفی هنرمندان، ثبت نمونه‌ها یا توصیف سنت‌ها محدود نکنیم، بلکه تحلیل موسیقایی، بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و مطالعه شیوه‌های یادگیری و انتقال دانش را نیز در نظر بگیریم. بنابراین، تفاوت اصلی این دوره را باید در شفاف‌تر شدن قلمرو موضوعی و ایجاد توازن میان ابعاد موسیقایی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی پژوهش دانست.»

مدیر بخش علمی و پژوهشی هجدهمین جشنواره موسیقی نواحی با تأکید بر ضرورت تداوم فعالیت‌های پژوهشی پس از جشنواره گفت «برگزاری نشست‌های تخصصی، معرفی و نقد کتاب‌ها و پژوهش‌های تازه، ایجاد ارتباط میان پژوهشگران و هنرمندان و فراهم‌کردن امکان دسترسی به مستندات و داده‌های معتبر می‌تواند به شکل‌گیری یک جریان پایدار مطالعاتی کمک کند. در برنامه‌های اعلام‌شده این دوره نیز بر فعال‌ماندن دبیرخانه در طول سال، ادامه نشست‌های علمی، انتشار آثار و تکمیل بانک اطلاعاتی موسیقی نواحی تأکید شده است.» | مهر

چهره

«حسین عمومی»، نوازنده برجسته نی، در آمریکا درگذشت

وداع با نی‌نواز مکتب اصفهان

حسین عمومی، نوازنده نی، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی ایرانی، پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۵ در آمریکا از دنیا رفت.

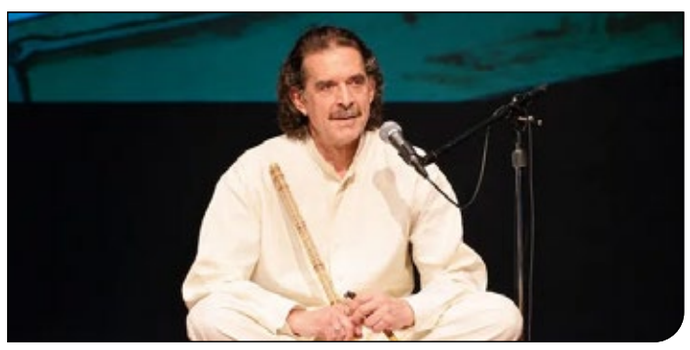
عمومی در سال ۱۳۲۳ در اصفهان متولد شد و نخستین گام‌هایش در موسیقی را با آموزش‌های پدر برداشت. از ۱۴سالگی نی را به‌عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کرد و از سال ۱۳۴۷، فراگیری این ساز را نزد «حسن کسایی» ادامه داد. در کنار نی‌نوازی، فراگیری ردیف آوازی نزد «محمود کریمی» نیز بخشی از مسیر هنری او بود.

عمومی در سال‌های فعالیتش در ایران، علاوه بر نوازندگی، در رادیو و تلویزیون برنامه اجرا و ضبط کرد. او همچنین در «مرکز حفظ و اشاعه موسیقی»، «هنرستان موسیقی» و «دانشکده هنرهای زیبا» به تدریس پرداخت و تجربه خود را در اختیار هنرجویان قرار داد.

او پس از خروج از ایران در سال ۱۳۶۳، فعالیت‌های آموزشی خود را در اروپا و آمریکا ادامه داد. از جمله محل‌های تدریس او می‌توان به «مرکز مطالعات موسیقی شرقی» در پاریس و دانشگاه‌های «کالیفرنیا» و «واشینگتن» اشاره کرد.

در کارنامه این هنرمند، پیوند با مکتب اصفهان در نی‌نوازی و تلاش برای ایجاد تغییراتی در ساختار ساز نی نیز دیده می‌شود. عمومی در کنار موسیقی، در رشته معماری تحصیل کرد و مدرک دکترای خود را از «دانشگاه فلورانس» گرفت.

«تک‌نوازی نی»، «نی هزار آوای عشق»، «شرح عشق»، «سرمست»، «چهارگاه . بیات ترک» و «آتش عشق» از آلبوم‌هایی‌اند که از او به یادگار مانده‌اند.



عمومی از ۱۴سالگی نی را به‌عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کرد و از سال ۱۳۴۷ فراگیری این ساز را نزد حسن کسایی ادامه داد. فراگیری ردیف آوازی نزد محمود کریمی نیز بخشی از مسیر هنری او بود

شناسه آگهی: ۲۳۱۸۰۹۸

وزرات راه و شهرسازی
سازمان بنادر و دریانوردی
اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان

((آگهی تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای))
شماره:۱۱/فنی /۱۴۰۵

P.M.O

P.M.O

موضوع مناقصه: نگهداری و تعمیرات تجهیزات مخابراتی و الکترونیکی وارتباطات زیر ساخت بندر شهید رجایی

مهلت و نحوه دریافت اسناد:

متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۱۶ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۳ ساعت ۱۴:۰۰ با مراجعه به سایت www.setadiran.ir نسبت به دریافت (خرید) رایگان اسناد اقدام نمایند.

* ضمناً دریافت آگهی از سایت‌های www.shahidrajaeeport.pmo.ir - iets.mporg.ir نیز امکان‌پذیر و رایگان می‌باشد.

مهلت و محل تسلیم پاکات و بارگذاری اسناد:

متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند .

تبصره۱: متقاضیان مکلفند علاوه بر بارگذاری اسناد خود در سایت مذکور نسبت به تحویل فیزیکی صرفاً پاکت الف محتوی ضمانتنامه شرکت در مناقصه حداکثر تا مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ ساعت ۱۲:۰۰ به دبیرخانه مرکزی اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان - مجتمع بندری شهید رجایی - ساختمان خدمات بندری، اقدام نمایند.

تبصره ۲: کلیه مراحل برگزاری از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و گشایش پاکت الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد ولازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند بدیهی است در صورت عدم انجام فرایند در سامانه مذکور پیشنهاد ارائه شده به‌صورت فیزیکی مورد قبول واقع نمی‌گردد.

تضمین شرکت در مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست ضمانتنامه بانکی بدون قیدوشرط و قابل‌تمدید به‌دفعات یا اصل فیش واریز وجه به‌حساب شماره ۴۱۰۱۰۶۴۵۷۱۲۱۴۸۵۳ بنام تنخواه‌گردان پرداخت بندر شهید رجایی نزد بانک مرکزی به مبلغ ۷۹۳ . ۲۱۰ . ۳۷۱ . ۴۲۰ (چهل و دو میلیارد و سیصد و هفتاد و یک میلیون و دویست و ده‌هزار و هفتصد و نود و سه) ریال ارائه نمایند.

شماره اقتصادی کارفرما: ۷۹۸۶-۱۹۵۷-۴۱۱۳

شناسه ملی: ۱۴۰۰۰۱۸۰۶۱۴

شماره شبا: IR920100004101064571214853

آدرس دستگاه مناقصه‌گذار: بندرعباس - مجتمع بندری شهید رجایی - اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان - واحد مهندسی و عمران - اداره امور پیمان و رسیدگی و مدیریت پروژه - تلفن: ۰۷۶۳۲۱۲۳۶۰۶

برآورد اولیه مناقصه: ۸۴۹.۵۶۰.۵۳۹.۶۷۱ (هشتصد و چهل و نه میلیارد و پانصد و شصت میلیون و پانصد و سی و نه هزار و ششصد و هفتاد و یک) ریال

مدت اجرای کار: ۱۲ ماه

شرایط اختصاصی:

۱- کسب حداقل ۶۰ امتیاز ارزیابی کیفی طبق معیارهای ارزیابی کیفی

۲- داشتن تجربه مرتبط بر اساس استعلام ارزیابی کیفی

۳- (تصویر گواهینامه امن‌سازی و مقاوم‌سازی سامانه‌ها و زیرساخت‌ها و سرویس‌ها یا تصویر گواهینامه خدمات فنی نصب و پشتیبانی محصولات فتا) از معاونت امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات

زمان و محل بازگشایی پیشنهادات:

مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۹ ساعت ۰۹:۰۰ روز دوشنبه مجتمع بندری شهید رجایی - سالن مناقصات (سالن جلسات مهندسی و عمران)

تبصره: دریافت اسناد، مراحل ثبت‌نام و بارگذاری کلیه اسناد و مدارک می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام پذیرد .

اسناد باید باکیفیت بالا و خوانا (۴۰۰ یا ۳۰۰ dpi) اسکن و بارگذاری گردد. در صورت ناخوانا بودن، به اسناد مذکور ترتیب اثر داده نخواهد شد .

اداره ارتباطات و اطلاع‌رسانی - بنادر و دریانوردی هرمزگان